



IRAN  
TRIBUNAL



## ایران تریبونال دادگاه مردمی بین المللی

قضات:

قاضی یوهان کریگلر (رئیس)  
قاضی جان دوگارت  
قاضی مارگارت راتنر کانستلر  
قاضی مایکل مانسفیلد  
قاضی ماکائو موتوا  
قاضی پاتریشیا سلرز

تاریخ صدور حکم: ۵ فوریه ۲۰۱۳

هیئت دادستانی

علیه  
جمهوری اسلامی ایران

حکم

دادستانان:

پرفسور پیام اخوان  
پرفسور جان کوپر  
پرفسور سر جفری نایس  
خانم مژده شهریار  
آقای کاوه شهروز  
دکتر نانسی هورماشیا  
خانم گیسو نیا

گزارشگر: آقای حمید صبی

## حکم

۵ فوریه‌ی ۲۰۱۳

هیئت دادستانی

علیه

جمهوری اسلامی ایران

دعای مربوط به نقض فاحش حقوق بشر و ارتکاب  
جنایت علیه بشریت توسط جمهوری اسلامی ایران

این حکم نهایی و مستدل ایران تریبونال است. ایران تریبونال از قضات زیر تشکیل شده است:  
قاضی یوهان کریگلر (رئیس)، پرفسور پاتریشیا سلرز، مارگارت راتنر کانستلر، پرفسور ماکائو  
موتوا، پرفسور مایکل مانسفیلد، پرفسور جان دوگارد.

این حکم پیرو حکم موقت صادر می‌شود که دادگاه در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۱۲ به دنبال ۳ روز دادرسی  
در کاخ صلح شهر لاهه صادر کرد.

## فصل اوّل

### مقدمه

۱- جمهوری اسلامی ایران هجده ماه بعد از استقرار، در خرداد ۱۳۶۰ با بزرگ‌ترین آزمون حیات خود روبرو شد. هزاران تظاهرکننده که اکثرشان جوان بودند، در اعتراض به سرکوب‌ها و بی‌رحمی‌های رژیم به خیابان‌ها ریختند. رهبران جمهوری اسلامی در راه خنثی کردن قیام و تظاهرات نیروهای مخالف، در توسل به سرکوب و خشونت تردید نکردند. در طول چند روز هزاران نفر دست‌گیر شدند، صدها نفر اعدام شدند و بقیه‌ی دست‌گیرشدگان نیز در معرض بی‌رحمانه‌ترین و غیرانسانی‌ترین رفتارها، از جمله شکنجه‌های جسمی و روانی، قرار گرفتند.

۲- وحشت‌آفرینی حکومت در دهه‌ی ۱۳۶۰ نیز ادامه یافت. در این دهه هزاران نفر به جوخه‌ی اعدام سپرده شدند. این وضعیت در سال ۱۳۶۷ با فتوایی که روح‌الله موسوی خمینی، رهبر جمهوری اسلامی ایران صادر کرد، به اوج خود رسید. خمینی فتوا داد زندانیان سیاسی‌ای را که بر مواضع خود پای می‌فشارند، «با کینه و خشم انقلابی» اعدام کنند. به دنبال این فتوا، هیئت‌هایی در استان‌های کشور تشکیل شد که به «هیئت‌های مرگ» معروف شدند. به این هیئت‌ها دستور داده شد که «در مورد جزئیات شک و تردید نکنند»، چرا که «تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می‌باشد».

۳- در تابستان ۱۳۶۷ هزاران زندانی سیاسی را مخفیانه اعدام کردند، اجسادشان را در گورهای دسته جمعی دفن کردند، روی برخی از گورها را با سیمان پوشاندند. ماه‌ها طول کشید تا خانواده‌ها از مرگ عزیزان خود آگاهی یافتند.

۴- این کشتارها و بی‌رحمی‌ها مدت زمانی طولانی مخفی نگه داشته شد. تنها امسال در واکنش به تشکیل این دادگاه، جمهوری اسلامی ایران به اعدام‌های دسته جمعی در دهه‌ی ۱۳۶۰ اعتراف و آن‌ها را به‌عنوان «اقدامی مجاز طبق حقوق بین‌الملل و معاهده ژنو» توجیه کرد.

۵- کسانی که از زندان‌های جمهوری اسلامی رهایی یافتند، همراه با خانواده‌های کسانی که اعدام شدند، سال‌ها تلاش کردند به این جنایات رسیدگی و جمهوری اسلامی ایران به پاسخ‌گویی وادار شود.

۶- در ایران یادآوری آن‌چه در دهه‌ی ۱۳۶۰ به وقوع پیوست، ممنوع است. زمانی که آیت‌الله منتظری، جانشین خمینی، در سال ۱۳۶۷ مخالفتش را با این جنایات اعلام کرد، از کلیه‌ی مناصب خود خلع شد. او تا دو سال پیش، یعنی زمان مرگش، در حبس خانگی بود.

## کارزار ایران تریبونال

۷- گروهی از بازماندگان و خانواده‌های قربانیان حکومت ترور و وحشت جمهوری اسلامی که توانستند به خارج از ایران مهاجرت کنند، به تلاش‌هایشان برای افشای حقایق و رسیدگی به این جنایات ادامه دادند. آن‌ها دعای خود را نزد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و گزارشگر ویژه‌ی آن برای ایران، رینولد گالیندوپل و سپس جانشین او موریس کاپیتورن مطرح کردند، اما نتیجه‌ای به دست نیاوردند.

سایر نهادهای کشوری و بین‌المللی نیز به این موضوع نپرداختند. سرانجام بازماندگان و خانواده‌های جان‌سپردگان تصمیم گرفتند تلاش‌های خود را با راهبردی متهورانه همراه کنند. آن‌ها در سال ۱۳۸۶ کارزاری مردمی و غیرسیاسی را برای تشکیل ایران تریبونال آغاز کردند تا به مردم ایران و جهان نشان دهند که در دهه‌ی ۱۳۶۰ در زندان‌های ایران چه گذشته است.

### کمیته‌ی بین‌المللی راهبردی حقوقی

۸- کارزار در بهمن ۱۳۸۹ (فوریه‌ی ۲۰۱۱) موفق شد یک کمیته‌ی بین‌المللی راهبردی حقوقی (کمیته‌ی راهبردی<sup>۱</sup>) به ریاست پروفیسور جان کوپر تشکیل دهد. کمیته‌ی راهبردی مأموریت یافت دادگاه ایران تریبونال را سازمان‌دهی و اعضا و روال کار آن را تعیین کند.

۹- کمیته‌ی راهبردی تصمیم گرفت دادگاه در دو مرحله برگزار شود:

الف - تشکیل یک کمیسیون حقیقت‌یاب، متشکل از شخصیت‌های حقوقی و مدافع حقوق بشر که به مثابه یک دادگاه تحقیق عمل کند، گواهی‌ها را در اختیار بگیرد، شهادت‌های آن‌ها را بشنود و نتیجه‌ی تحقیقات خود را به صورت یک گزارش منتشر کند.

ب - تشکیل یک دادگاه، متشکل از حقوقدانان بین‌المللی که وظیفه‌ی تعیین مسئولیت جمهوری اسلامی ایران در نقض حقوق شهروندان ایران بر اساس قوانین حقوقی بین‌المللی بر عهده داشته باشد.

### کمیسیون حقیقت‌یاب

۱۰- کمیته‌ی راهبردی از شماری از شخصیت‌های برجسته‌ی بین‌المللی برای عضویت در کمیسیون حقیقت‌یاب دعوت به عمل آورد. ریاست کمیسیون را موریس کویپتورن به‌عهده داشت و اعضای کمیسیون عبارت بودند از پرفیسور اریک دیوید، پرفیسور دانیل تورپ، آن برلی، پرفیسور ویلیام شباس، دکتر لوئیز اسمال.

۱- اعضای کمیته‌ی راهبردی عبارتند از: پرفیسور جان کوپر، پرفیسور سرجفری نایس، پرفیسور اریک دیوید، پرفیسور ریچارد فالک، پرفیسور پیام اخوان، پرفیسور کادر اسمال (در خرداد ۱۳۸۹ درگذشت)، دکتر نانسی هورماشیا، دکتر هدایت متین دفتری، حمید صبی.

۱۱- کمیته‌ی راهبردی به پیشنهاد کارزار، مبادرت به انتخاب صد شاهد کرد تا در مقابل کمیسیون حقیقت‌یاب و دادگاه شهادت دهند. این افراد از میان صدها تن از فعالان و حامیان کارزار انتخاب شدند. شاهدان از آنچه رخ داده بود، اطلاعات مستقیم داشتند و از جان‌به‌دربرندگان و خانواده‌های جان‌باختگان وقایع دهه‌ی ۱۳۶۰ بودند.

۱۲- کمیسیون حقیقت‌یاب، جلسات خود را روزهای ۲۹ خرداد تا ۲ تیر ۱۳۹۱ (۱۸ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲) در مرکز اقدام حقوق بشر سازمان عفو بین‌الملل در لندن برگزار کرد. ۷۵ نفر به صورت حضوری و یا از طریق اسکایپ، در مورد وقایع خوف‌انگیز و اعدام‌هایی که در زندان‌های رژیم اسلامی رخ داده بود، در مقابل کمیسیون شهادت دادند.

۱۳- کمیسیون، گزارش خود را ۷ مرداد ۱۳۹۱ (۲۸ ژوئیه‌ی ۲۰۱۲) همراه با کلیه‌ی ضمیمه‌ها، از جمله اظهارنامه‌های کتبی و اظهارات شفاهی شاهدان، منتشر کرد. این گزارش مشتمل بر ۴۱۹ صفحه است که ۶۶ صفحه‌ی نخست آن، بدنه‌ی اصلی گزارش را تشکیل می‌دهند. این گزارش، به این حکم الحاق شده است و به‌عنوان سند الف، بخش جدایی‌ناپذیر این حکم است.

### تشکیل ایران تریبونال

۱۴- پس از پایان کار کمیسیون حقیقت‌یاب، شش حقوقدان بین‌المللی که کمیته‌ی راهبردی از آن‌ها دعوت کرده بود، موافقت کردند به دادگاه بپیوندند. آن‌ها عبارت بودند از: قاضی یوهان کریگلر، پرفسور پاتریشیا سلرز، پرفسور ماکائو موتوا، مارگارت رانتر کونستلر، پرفسور مایکل مانسفیلد، پرفسور جان دوگارد. قاضی کریگلر به ریاست دادگاه برگزیده شد.

۱۵- دادگاه، جلسات خود را در روزهای ۴ تا ۶ آبان ۱۳۹۱ (۲۵ تا ۲۷ اکتبر ۲۰۱۲) در سالن آکادمی حقوق بین‌الملل کاخ صلح شهر لاهه، برگزار کرد. دادگاه شهادت نوزده نفر را شنید که سه نفر از آن‌ها، پرفسور موریس کاپیتورن، آن برلی و دکتر متین دفتری، شاهدان متخصص بودند. یکی از شاهدان، نیما سروستانی، فیلمی را در دادگاه به نمایش گذاشت که در آن با یک گورکن در شیراز مصاحبه کرده بود. ۱۵ شاهد وقایعی که در دهه‌ی ۱۳۶۰ برایشان اتفاق افتاده بود، توصیف کردند. همه‌ی شاهدان، شهادت‌نامه‌های خود را هم از پیش تسلیم دادگاه کرده بودند. شهادت‌نامه‌ها به دادگاه کمک کرد کار خود را در چنین زمان کوتاهی به‌انجام برساند. شهادت‌نامه‌ها ضمیمه‌ی «الف» این گزارش هستند. دادگاه به دو زبان فارسی و انگلیسی برگزار شد. دو مترجم حرفه‌ای ترجمه‌ی هم‌زمان گفته‌ها را به دو زبان انگلیسی و فارسی برعهده داشتند.

۱۶- یک تیم حرفه‌ای و کارآمد دادستانی به ریاست پرفسور پیام اخوان و همکارانش؛ پرفسور سرجفری نایس، پرفسور جان کوپر، خانم مژده شهریاری، دکتر نانسو هورماشیا، آقای کاوه شهروز و گیسو نیا، دادگاه را یاری داد. دادگاه از تبّحّر و پشتکار هیئت دادستانی قدردانی می‌کند.

## عدم حضور جمهوری اسلامی در دادرسی

۱۷- جان کوپر، رئیس کمیته‌ی بین‌المللی راه‌بردی حقوقی ایران تریبونال، به نیابت از کمیته، از طریق نامه‌ای به‌تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۲ از جمهوری اسلامی ایران برای حضور در دادگاه دعوت کرد. نسخه‌ای از این نامه، به‌عنوان ضمیمه‌ی «ب» به این حکم الحاق شده است. این نامه به همراه سه نسخه از گزارش تحقیقات کمیسیون حقیقت‌یاب برای سفیر جمهوری اسلامی در لاهه ارسال شد.

در این نامه از جمهوری اسلامی خواسته شده است در دادگاه حضور یابد و به مندرجات گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب در رابطه با نقض حقوق بشر از جمله - الف) زندان بدون دادگاه عادلانه؛ ب) اعدام‌های خودسرانه؛ ج) شکنجه‌ی زندانیان؛ د) تجاوز به زندانیان، و ه) تعقیب و آزار افراد به دلایل سیاسی و مذهبی بود، پاسخ دهد. دامنه‌ی این اقدامات که موجب نقض عمده‌ی و جدی حقوق اساسی آن‌ها شد، با حقوق بین‌الملل مغایر است.

۱۸- و در نهایت در نامه قید شده است که :

«ما می‌خواهیم فرصتی در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دهیم تا با حضور در دادگاه به طرح دلائل و دفاع از خود بپردازد. هدف این دادگاه آن است که بدون هیچ‌گونه خصومتی به کشف حقیقت بپردازد. حضور شما در دادگاه ما را در نیل به این هدف کمک می‌کند.»

جمهوری اسلامی ایران ترجیح داد به این نامه پاسخ ندهد و حتی از اعلام وصول آن و اعتراف به وجود چنین دادگاهی سر باز زند. دادگاه به تصمیم جمهوری اسلامی ایران مبنی بر عدم حضور در این دادرسی و عواقب این تصمیم، در این حکم اشاره می‌کند (پاراگراف ۱۶۷ را مشاهده کنید).

## دادرسی

۲۰- به دادگاه اختیار داده شد که مقررات ناظر بر کار خود را تعیین کند. با توجه به این‌که دادگاه قادر به اخذ سوگند از شهود نبود، تصمیم گرفت از شاهدان درخواست کند، صحت اظهارنامه‌هایی را که به دادگاه ارائه کرده‌اند، تأیید کنند.

۲۱- دادگاه، از هیئت دادرسی دعوت کرد، شاهدان را برای ادای شهادت از طریق اظهارنامه‌های آن‌ها هدایت کنند. همه‌ی شاهدان در کمال صداقت و صراحت به سئوالات دادگاه پاسخ دادند.

۲۲- دادگاه صمیمیت شاهدان و شجاعت آن‌ها در سخن گفتن از حوادثی که از سرگذرانده‌اند، ستایش می‌کند. دادگاه تأکید می‌کند، بعضی از شاهدان به هنگام بازگویی مصائب خود که مدت‌ها در نهان‌خانه‌ی دل نگه داشته بودند، از زاویه‌ی عاطفی و روانی دچار دگرگونی شدند. دادگاه از همه‌ی شاهدان به‌خاطر کمک به این پروسه‌ی تاریخی قدرانی می‌کند.

۲۳- تمام پروسه‌ی دادرسی به صورت کتبی ثبت و نسخه‌ای از آن به‌عنوان ضمیمه‌ی «د» به حکم الحاق شده است.

۲۴- هیئت دادستانی ادعای خود را با رجوع به موارد حقوقی و شرح ماهیت حقوقی آغاز کرد. نکات قانونی را پرفسور پیام اخوان مطرح کرد و شرح ماهیت حقوقی را پرفسور جان کوپر به‌عهده داشت. در پایان، هیئت دادستانی به نتیجه‌گیری از ادعاهای خود پرداخت، پرفسور سرجفری نایس، خلاصه‌ای از ماهیت حقوقی را شرح داد و پرفسور پیام اخوان در سخنان اختتامیه‌ی خود، به براهین حقوقی ادعای دادستانی اشاره کرد. دادگاه بار دیگر از تلاش‌ها و همکاری هیئت دادستانی قدردانی می‌کند.

۲۵- پروسه‌ی دادرسی دادگاه ایران تریبونال، رأس ساعت ۲ بعدازظهر شنبه ۲۷ اکتبر ۲۰۱۲ پایان یافت و هیئت قضات برای شور و تدوین حکم موقت به اتاق قضات رفتند. حکم موقت ساعت پنج بعداز ظهر شنبه ۲۷ اکتبر ۲۰۱۲ در صحن دادگاه قرائت شد.

۲۶- جلسات دادگاه بر روی عموم و اصحاب رسانه‌ها باز بود و از شبکه‌ی جهانی اینترنت و کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به صورت زنده پخش شد.

## فصل دوم

### صلاحیت قانونی

۲۷- صلاحیت قانونی دادگاه، از سوی کارزار و کمیته‌ی راهبردی حقوقی ایران تریبونال به نیابت از کسانی که در اثر جنایات طرح شده از زاویه‌ی جسمی و روانی به‌شدت رنج کشیده‌اند و صدمه دیده‌اند، به آن تفویض شده است. دادگاه صلاحیت قانونی خود را با صدور حکمی که به‌موجب اسناد ارائه شده به دادگاه صادر کرد، تحقق بخشید. استقلال و تمامیت دادگاه، ضامن صدور عادلانه و واقع بینانه‌ی رأی نهایی است.

۲۸- دادستان، جمهوری اسلامی ایران را به ارتکاب جنایت علیه بشریت متهم کرد. به این دلیل، دادگاه باید تعیین کند که:

ا - آیا موارد اتهامی در زمینه‌ی نقض حقوق بشر رخ داده است؟

ب - آیا در این‌جا نقض متعدد حقوق بشر در زمره‌ی جنایت علیه بشریت است؟

ج - آیا جمهوری اسلامی ایران مقررات حقوق بین‌الملل را در تعهداتی که نسبت به شهروندان خود در زمینه‌ی حقوق بشر بین‌المللی دارد، نقض کرده است؟

۲۹- کارزار و کمیته‌ی راهبردی حقوقی ایران تریبونال دوره‌ی دادرسی را به وقایع دهه‌ی ۱۳۶۰ محدود کردند. این محدودیت را کمیسیون حقیقت‌یاب اجرا کرد و دادگاه نیز این محدودیت زمانی را برای کار خود در نظر گرفت.

## فصل سوم

### ماهیت

۳۰- کار تریبونال در جهت ارزیابی ماهیت این پرونده را، تحقیقات کمیسیون حقیقت‌یاب و گزارش دقیق و جامعی که از طرف این کمیسیون تهیه شده بود، آسان کرد.

### گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب

۳۱- دادستان، گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب را به‌عنوان بنیان حقوقی دعوی ارائه کرد. پروفیسور جان کوپر ادعانه‌ی دادستانی را با نگاه کلی به سابقه‌ی تاریخی پرونده، بعد از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ آغاز کرد. وی به انحلال رژیم پهلوی و پس از آن تأسیس جمهوری اسلامی، آغاز جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ اشاره کرد؛ و سرانجام به زمانی که رژیم تفنگ‌ها را به‌سوی گروه‌های سیاسی‌ای چرخاند که به خاطر انقلاب<sup>۱</sup> جنگیده بودند. او این نقطه چرخش را به تظاهرات گسترده‌ای مربوط دانست که در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به‌وقوع پیوست. این همان روزی است که دادگاه آن را مقطع زمانی آغاز دادرسی قرار داد.

۳۲- پروفیسور کوپر از دادگاه درخواست کرد گزارش یافته‌های کمیسیون حقیقت‌یاب را که وی به‌عنوان مدرک تسلیم دادگاه کرده است، تأیید کند. او توجه دادگاه را به بخش «ه» گزارش جلب کرد که دربرگیرنده‌ی فهرست جامعی از شهادت‌نامه‌ی شاهدان است و بخش اصلی بدنه‌ی گزارش را تشکیل می‌دهد.

۳۳- پروفیسور کوپر بخش‌های شش‌گانه‌ی گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب را به شرح زیر خلاصه کرد:

ا) فصل اول به دست‌گیری خودسرانه‌ی مخالفان سیاسی مربوط می‌شود؛ از جمله ناپدید شدن اجباری، بازداشت بدون محاکمه، انواع شکنجه‌های جسمی و روانی، از جمله شلاق، استفاده از دست‌بند چپانی - که طی آن زندانی را از بازوها به سقف آویزان می‌کنند - ، رفتار بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، از جمله حبس تعداد زیادی زندانی در یک مکان، محرومیت زندانی از کمک‌های پزشکی، برگزاری محاکمه‌های نمایشی که طی آن زندانیان را چشم بسته و در چند دقیقه محاکمه می‌کردند، بدون آن‌که به وکیل و مشاور حقوقی دسترسی داشته باشند.

ب) فصل دوم به اعدام زندانیان می‌پردازد؛ اغلب اعدام‌های پیش از سال ۱۳۶۷ از طریق تیرباران صورت گرفت، اما اعدام از طریق چوبه‌ی دار و مرگ بر اثر شکنجه نیز رایج بود؛ در سال ۱۳۶۷، به‌دنبال فتوایی که آیت‌الله خمینی صادر کرد، بیش از چهارهزار زندانی بعد از آن‌که از سوی «کمیسیون تازه تأسیس مرگ» تفتیش عقاید شدند، به فاصله‌ی چند ماه به دار آویخته شدند.

۲- به ضمیمه‌ی د، روز اول، صفحه‌ی ۲۰ رجوع شود.



ج) فصل سوم به بیان نمونه‌های مشخص در مورد ۳۲ زندانی‌ای می‌پردازد که در گزارش به آن‌ها اشاره شده است؛ نیز خشونت‌هایی که در مورد آن‌ها انجام شده است.

د) فصل چهارم به تجربه‌ی گروه‌های مختلف در زندان معطوف است؛ از جمله زنان، کودکان (چه کودکانی که خود زندانی محسوب می‌شدند و چه آن‌هایی که به اتفاق مادران زندانشان، در زندان بودند) و طیف گسترده‌ای از گروه‌های سیاسی. در این فصل همچنین، سوء رفتار با زندانیان مورد بحث قرار گرفته است؛ از جمله جراحات جسمی و صدمات روانی.

ه) فصل پنجم به رنج خانواده‌های زندانیان سیاسی معطوف است؛ از جمله ضرب و شتم آن‌ها؛ محرومیت از ملاقات؛ برهم زدن خشونت‌آمیز مراسم سوگواری آن‌ها؛ فشار به خانواده‌ها برای پرداخت بهای گلوله‌هایی که به بدن عزیزانشان شلیک کرده بودند، در مقابل تحویل اجساد به آن‌ها.

و) فصل ششم حاوی فهرست اسامی مرتکبین جنایت‌هاست که شاهدان به آن‌ها اشاره کرده‌اند و آقای بابک‌عماد با ارائه اطلاعات تکمیلی، وضعیت و مشاغل جاری آن‌ها را روشن کرده است.<sup>۳</sup>

۳۴- پروفیسور کوپر توجه دادگاه را نسبت به «عوارض جبران ناپذیر این سوء رفتارها»، بر جسم و روان جانب‌دربردگان و خویشاوندان اعدام‌شدگان، جلب کرد.

۳۵- پروفیسور کوپر در خاتمه‌ی سخنان خود، از دادگاه خواست گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب را تأیید کند و آن را به‌تمامی به‌عنوان بخشی از رأی خود در نظر بگیرد.

۳۶- دادستان، سپس ۱۹ شاهدش را معرفی کرد. ۳ تن از آن‌ها، پروفیسور موریس کاپیتورن رئیس کمیسیون حقیقت‌یاب و گزارشگر ویژه‌ی سابق کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران، خانم آن برلی عضو کمیسیون حقیقت‌یاب و محقق سابق سازمان عفو بین‌الملل در رابطه با ایران و دکتر هدایت متین دفتری معاون اسبق کانون وکلای ایران، شاهدان متخصص بودند. سایر شاهدان، شاهدان عینی بودند که شهادت‌هایشان شهادت کمیسیون حقیقت‌یاب و همخوانی اظهارات آن‌ها را تقویت می‌کند.

۳۷- دادستان اعلام کرد هدفش این است که «اثبات کند مسئولیت نقض فاحش و گسترده و برنامه‌ریزی شده‌ی حقوق بشر در دهه‌ی ۱۳۶۰، به‌عهده‌ی عالی‌ترین رده‌های جمهوری اسلامی ایران است و طبق فرامین صریح آن‌ها به اجرا درآمده است»<sup>۴</sup>

۳۸- دادگاه اظهارات پروفیسور موریس کاپیتورن، رئیس کمیسیون حقیقت‌یاب، را شنید. پروفیسور کاپیتورن تأیید کرد، کمیسیون حقیقت‌یاب به این نتیجه رسید که موارد نقض حقوق بشر در دهه‌ی ۱۳۶۰ «از جانب یک مرجع تصمیم‌گیری مرکزی طراحی و اجرا شده است»، رژیم جمهوری اسلامی ایران تنها مرجع مسئول این اعمال بوده است، و اعضای کمیسیون حقیقت‌یاب در تدوین گزارش ژوئیه ۲۰۱۲ هم‌صدا بوده‌اند.

۳۹- پروفیسور کاپیتورن، همچنین به‌عنوان گزارشگر ویژه‌ی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۱ شهادت داد که آن سال‌ها و پس از اولین سفرش به ایران، دیگر هرگز اجازه‌ی ورود به این کشور را نیافت. وی به دادگاه گفت، به‌عنوان گزارشگر ویژه، در مورد سوء رفتارها در دهه‌ی ۱۳۶۰ تنها اظهارنظرهای «بسیار عام» شنیده بود، درحالی که شواهدی که در دسترس کمیسیون حقیقت‌یاب بود «به‌مراتب کامل‌تر» از منابعی بود که به‌عنوان نماینده‌ی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در اختیار او قرار داده بودند.

۴۰- پروفیسور کاپیتورن اعلام کرد که به تجربه می‌داند، به دلیل وجود فشارهای سیاسی، تلاش در جهت عملی کردن یک تحقیق رسمی در مورد سوء رفتارهای دهه‌ی ۱۳۶۰، «نمی‌تواند از حمایت همه‌ی اعضای کمیسیون حقوق بشر برخوردار شود.» وی توضیح داد که اهداف کشورهای عضو کمیسیون به ندرت همگون است و به همین خاطر او نشانی از این‌که اکثریت کشورهای عضو از چنین ابتکاری حمایت کنند، ندیده است. پروفیسور کاپیتورن شهادت خود را با یک توصیه به سازمان ملل متحد پایان داد: تأسیس یک کمیسیون تحقیق رسمی برای رسیدگی به نقض حقوق بشر در ایران در دهه‌ی ۱۳۶۰.<sup>۵</sup>

۴۱- آخرین شاهد دادستان، خانم آن برلی، عضو دیگر کمیسیون حقیقت‌یاب بود. خانم برلی در سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۱ پژوهشگر سازمان عفو بین‌الملل بود و در این مقام نقض حقوق بشر در بسیاری از کشورهای را مورد تحقیق قرارداد. وی طی سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۳ مسئول بخش ایران در سازمان عفو بین‌الملل بود. وی دو بار در نوامبر ۱۹۷۸ و آوریل ۱۹۷۹ در رأس هیئتی از سازمان عفو بین‌الملل به ایران سفر کرد، با برخی از وزرای دولت ایران و شاپور بختیار نخست‌وزیر وقت دیدار کرد، و مراتب نگرانی سازمان عفو بین‌الملل در مورد نبود محاکمه‌های عادلانه، مطابق با استانداردهای بین‌المللی، و شکنجه و بدرفتاری با زندانیان را اعلام کرد.

۴۲- خانم برلی تأیید کرد که گزارش اول فوریه‌ی ۱۹۸۰ وی به سازمان عفو بین‌الملل، نشان از این داشت که دادگاه‌های انقلاب اسلامی، که بلافاصله پس از انقلاب به وجود آمدند، «به تکرار» احکام اعدام صادر کردند. زندانیان در مقابل «خطرانی که جانشان یا امنیت جسمی و آبرویشان را تهدید می‌کرد، حمایت نمی‌شدند.» وی خاطر نشان کرد، علیرغم این‌که آیت‌الله خمینی بارها اعلام کرد این‌گونه «افراط‌گری‌ها» تکرار نخواهد شد و علیرغم این‌که برخی از روحانیون نسبت به «ماهیت خودسرانه‌ی به اصطلاح اجرای عدالت»، اظهار نگرانی می‌کردند، وضعیت بدتر شد.

۴۳- خانم برلی گواهی داد که یافته‌های کمیسیون حقیقت‌یاب دقیق است و نتیجه‌گیری کمیسیون (دایر بر این‌که نقض حقوق بشر از طرف یک قدرت مرکزی طراحی و اجرا شده است) منطبق باشواهدی است که به دادگاه ارائه شده است.

۴۴- خانم برلی شهادت داد که نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی از جنبه‌هایی ادامه‌ی همان رفتارهایی است که رژیم پیشین انجام می‌داد و توجه دادگاه را به این امر جلب کرد که شلاق زدن زندانیان در زمان شاه نیز «بسیار متداول بود.» با این همه خانم برلی متذکر شد که در دوران رژیم اسلامی تعداد «بسیار بیش‌تری» جان خود را از دست دادند و رفتارهای خشونت‌آمیز «تا آن‌جا که» به دست‌گیری، بدرفتاری و قتل مربوط است، «به مراتب خودسرانه‌تر شد.» هرکسی می‌توانست در معرض دست‌گیری، بدرفتاری و اعدام قرار گیرد، بدون آن‌که بتواند «حدود به خطر افتادن خود» را تشخیص دهد. وی اظهار داشت، بعد از انقلاب، موارد نقض حقوق بشر ابتدا به صورت خودسرانه توسط کمیته‌های انقلاب اسلامی انجام می‌گرفت، اما به تدریج در حوزه‌ی مسئولیت دولت مرکزی قرار گرفت.<sup>۶</sup>

۳- همان‌جا، صفحات ۲۱ تا ۲۷

۴- همان‌جا، صفحه ۲۷

۵- ضمیمه‌ی در روز اول، صفحات ۳۳ و ۳۴

۴۵- بدین وسیله، دادگاه گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب را به‌عنوان سند قابل استناد می‌پذیرد و آن را مبنای مأموریت واقعیت‌پژوهانه‌ی خود قرار می‌دهد. همان‌گونه که در حکم موقت آمده است: «مدارک، شواهد انکار ناپذیر هستند؛» که نشان می‌دهند نقض فراگیر و گسترده‌ی حقوق بشر توسط یا به نیابت از جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته است.

### رفتار با اقلیت‌های قومی و مذهبی

۴۶- ایران سرزمین پهناوری است که گروه‌های قومی گوناگون را در بر می‌گیرد. در این سرزمین گرایش‌های متعدد مذهبی نیز وجود دارند. در این کشور، عرب‌ها، کردها، ترکمن‌ها، آذری‌ها، بلوچ‌ها و غیره قرن‌ها در مناطق مختلف به‌عنوان ایرانی زندگی کرده‌اند.

۴۷- دادگاه از شنیدن گزارش‌هایی مبنی بر حمله‌ی بی‌رحمانه‌ی جمهوری اسلامی ایران به این جوامع و بی‌اعتنایی به سابقه‌ی طولانی همزیستی مسالمت‌آمیز آن‌ها، دچار حیرت و انزجار شد.

### بهایان:

۴۸- بهائیت در قرن ۱۹ میلادی در ایران ظهور کرد. بهایان یکی از بزرگترین اقلیت‌های مذهبی ایرانند و تعدادشان حدود شش‌صدهزار نفر تخمین زده می‌شود.

۴۹- روحیه جهانپور، بهایی ایرانی، گزارش دردناکی به دادگاه عرضه کرد.<sup>۷</sup>

۵۰- خانم جهانپور، اظهارات<sup>۸</sup> دکتر متین دفتری را دایر بر این‌که طبق قانون اساسی ایران پیروان بهائیت از هیچ حقوقی برخوردار نیستند، مورد تأیید قرار داد. ازدواج آن‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود و در نتیجه فرزندان‌شان نامشروع محسوب می‌شوند؛ حق استخدام از آن‌ها سلب شده است؛ از مدارس و دانشگاه‌ها اخراج شده‌اند؛ حق برگزاری مراسم کفن و دفن ندارند؛ اماکن مذهبی آن‌ها مورد هجوم قرار گرفته و تخریب شده است؛ و اموال آن‌ها مصادره شده است.<sup>۹</sup>

۵۱- خانم جهانپور در زمان وقوع انقلاب آموزگار دبستان بود. مدتی بعد از انقلاب، به‌خاطر اعتقادات مذهبی‌اش، به فرمان آیت‌الله خمینی از کار برکنار شد.<sup>۱۰</sup> خانم جهانپور دوبار دست‌گیر شد؛ بار نخست در بهمن ماه ۱۳۶۱ به اتهام بهایی بودن.<sup>۱۱</sup>

۵۲- خانم جهانپور از تجربه‌ی وحشتناک دوران زندانش سخن گفت و نیز از هم‌سلولی‌ها سایر بهاییانی نام برد که فقط به‌خاطر این‌که بهایی بودند اعدام شدند. قاضی دادگاهی که خانم جهانپور در آن محاکمه شد، به او گفته بود: «اگر همه‌ی بهایی‌ها را یکجا بکشیم، دنیا به اعتراض برمی‌خیزد، اما اگر شما را یکی یکی برای اعدام ببریم، صدایی از جامعه‌ی جهانی بر نخواهد خاست.»<sup>۱۲</sup>

۶- ضمیمه‌ی د، روز سوم، آن برلی

۷- ضمیمه‌ی ب، صفحات ۵۸ تا ۶۰، ضمیمه‌ی د. روز دوم، صفحات ۳۸ تا ۵۲

۸- به متن شهادت وی نگاه کنید.

۹- ضمیمه‌ی د، روز دوم، صفحات ۳۹ تا ۴۰

۱۰- همان‌جا، صفحه‌ی ۴۰

۱۱- همان‌جا، صفحه‌ی ۴۳، خط‌های ۱۲-۱۳

۵۳- خانم جهانپور همچنین در باره‌ی امکان مذهبی بهائیان که در روزهای نخست تأسیس جمهوری اسلامی تخریب شدند، شهادت داد.

### عرب‌های ایرانی

۵۴- در جنوب ایران یک جمعیت بزرگ عرب وجود دارد. بیشتر آن‌ها مسلمان شیعه هستند، اما در سال‌های اخیر شمار زیادی از آن‌ها به اسلام سنی گرویده‌اند.

۵۵- جلیل شرهانی<sup>۱۳</sup> وقتی در مهرماه ۱۳۵۹ شاهد دست‌گیری بی‌رحمانه‌ی پدر خود بود، سیزده سال داشت. همان روز برادر و دایی او را نیز حوالی ساعت ۱۱ صبح دست‌گیر کردند. برادر و دایی او همراه با ۱۵ تن دیگر از عرب‌هایی که به‌یک طایفه تعلق داشتند، ظهر همان روز در شهر اهواز مقابل ساختمان استانداری در انظار عمومی اعدام شدند<sup>۱۴</sup>. پدر جلیل را نیز چند ماه بعد اعدام کردند.

۵۶- صادق خلخالی<sup>۱۵</sup>، حاکم شرع و مسئول محاکمه و اعدام این ۱۷ نفر، در پاسخ به اعتراض یکی از زندانیان که به او گفته بود، از حق داشتن وکیل و محاکمه‌ی عادلانه محروم بوده است، چنین گفت: «اگر بی‌گناه باشی به بهشت می‌روی»<sup>۱۶</sup>

۵۷- در پاسخ به پرسش دادگاه، شاهد، آقای شرهانی، اظهار داشت، تعقیب و آزار عرب‌ها تنها به دلیل عرب بودنشان انجام نمی‌گرفت، چرا که برخی از آن‌ها از دولت حمایت می‌کردند. آن‌هایی هم که برای احقاق حقوق عرب‌ها فعالیت می‌کردند، وحشیانه و بی‌رحمانه مجازات شدند.

۵۸- آقای شرهانی اظهار داشت، پدر و دایی او کشاورز و بی‌سواد بودند و هیچ‌گونه فعالیت سیاسی نداشتند و حتی قادر نبودند به زبان فارسی تکلم کنند. آن‌ها تنها به دلیل این‌که به طایفه‌ی شرهانی تعلق داشتند، اعدام شدند.

۵۹- آقای شرهانی شهادت داد که خود وی و افراد خانواده‌اش مسلمان شیعه هستند و از نظر مذهب با رژیم اختلافی ندارند.

۶۰- آقای جلیل شرهانی بعدها تحت تعقیب رژیم قرار گرفت و علیرغم اینکه در امتحانات ورودی دانشگاه قبول شده بود، از ورود وی به دانشگاه جلوگیری شد.<sup>۱۷</sup>

۱۲- همان‌جا، صفحه‌ی ۴۴

۱۳- ضمیمه‌ی ب، صفحات ۴۶ تا ۴۸، ضمیمه‌ی د، روز دوم، صفحات ۱۴ تا ۲۰

۱۴- ضمیمه‌ی د، روز دوم، صفحه ۱۶

۱۵- ضمیمه‌ی الف، بخش ششم، ۶ . ۶ . ۲

۱۶- همان‌جا

۱۷- همان‌جا، صفحه‌ی ۱۸

## کُردهای ایرانی

۶۱- ایران مثل اغلب کشورهای منطقه سابقه‌ای طولانی در سرکوب کردها دارد. کُردهای ایرانی ساکن کُردستان ایران هستند که در غرب کشور واقع شده است. بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷، زمانی که سازمان‌های کُرد با جمهوری اسلامی ایران مخالفت کردند، وضعیت در کُردستان رو به وخامت بیشتری گذاشت.

۶۲- کمیسیون حقیقت‌یاب شهادت ۱۰ شاهد کرد را شنید.<sup>۱۸</sup> دادگاه نیز شهادت ملکه مصطفی سلطانی<sup>۱۹</sup> را شنید. خانم سلطانی، شواهد مفصلی در رابطه با اعدام ۴ برادر خود به دادگاه عرضه کرد. خانم سلطانی توضیح داد که چگونه ۲ برادرش در سال ۱۳۵۸ دست‌گیر شدند و علیرغم این‌که به خانواده قول آزادی آن‌ها داده شده بود، اجساد تکه پاره شده‌ی آن‌ها را به خانواده تحویل دادند. بدن آن‌ها قصابی شده بود. سر امین را در دامن گرفته بودم، دامنم پر از خون شد و قسمتی از مغز وی روی دامنم ریخت.<sup>۲۰</sup>

۶۳- دادگاه شهادت شاهدانی را به یاد می‌آورد که در برابر کمیسیون حقیقت‌یاب در مورد رفتار بی‌رحمانه با کردها از ابتدای تأسیس جمهوری اسلامی شهادت دادند. از جمله این بی‌رحمی‌ها، می‌توان به بمباران شهرهای کُردنشین، اعدام فعالان کُرد در فرودگاه سنندج، تجاوز، شکنجه و تعقیب کُردها که با هدف سرکوب هرگونه مخالفت با رژیم و سیاست‌هایش، صورت گرفت، اشاره کرد.<sup>۲۱</sup>

## رفتار با زنان

۶۴- طبق یافته‌های کمیسیون حقیقت‌یاب،<sup>۲۱</sup> زنان و مردان به‌شدت در معرض شکنجه بودند؛ در این مورد وضعیت آن‌ها شبیه بود. اما به‌ویژه این زنان بودند که مورد تجاوز جنسی قرار می‌گرفتند.

۶۵- شاهدانی که در دادگاه شهادت دادند، تجاوز جنسی به زنان را مورد تأیید و تأکید قرار دادند.<sup>۲۲</sup> دادستانی نسخه‌ای از کتابی را تسلیم دادگاه کرد که «سازمان عدالت برای ایران» تحت عنوان «جنایت بی‌عقوبت: شکنجه‌ی جنسی زنان در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران»، تدوین کرده است.

۶۶- «جنایات بی‌عقوبت» بر مبنای پژوهش‌هایی در مورد رفتار با زنان زندانی در دهه‌ی ۱۳۶۰ نوشته شده است. در این کتاب با هفتاد و هفت زندانی سیاسی زن مصاحبه شده است. نویسندگان کتاب از منابع و اطلاعات دیگر نیز بهره گرفته‌اند. دادگاه این گزارش را پذیرفته و یافته‌های آن را مورد استفاده قرار داده است.

۱۸- ضمیمه‌ی الف، ۵، ۸، ۱۲، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۶۳، ۷۲

۱۹- ضمیمه‌ی ب، صفحات ۲۷ تا ۳۰، ضمیمه‌ی د، روز اول، صفحات ۴۸ تا ۶۱

۲۰- ضمیمه‌ی د، روز اول. صفحه‌ی ۵۱

۲۱- ضمیمه‌ی الف، بخش ۱۰۴، صفحه‌ی ۴۳

۲۲- مرجع‌های اضافی

۶۷- در گزارش یاد شده به ارتکاب جرائم زیر در مورد زنان اشاره شده است:

الف- تجاوز پیش از اعدام: زنان زندانی بسیاری پیش از آنکه اعدام شوند، مورد تجاوز قرار گرفتند. در ظاهر «مرتکبین» بر این باور بودند که اعدام زنان باکره طبق قوانین اسلام مجاز نیست و اگر زنان باکره اعدام شوند به بهشت می‌روند. بنابراین، پاسداران وانمود می‌کردند با این دختران ازدواج کرده‌اند. (در حال این کار غیرقانونی را انجام می‌دادند).<sup>۲۳</sup> نویسندگان «جنایت بی‌عقوبت» تعدادی مصاحبه انجام داده و چند گزارش تهیه کرده‌اند که نشان می‌دهند به زنان زندانی پیش از اعدام تجاوز شده است. جمعی از خویشاوندان زنانی که اعدام شدند، تأیید کردند، شواهدی دال بر تجاوز جنسی به آن‌ها روی بدنشان مشاهده کرده‌اند. یکی از زنان اعدام شده، روی کف پای خود نوشته بود که به او تجاوز شده است. یکی دیگر، همین را روی لباس‌هایش نوشته بود. در مواردی بازجویان و پاسدارانی که مرتکب تجاوز شده بودند، به خانواده‌های قربانیان خود مهریه پرداخت می‌کرده‌اند (اغلب یک جعبه نبات یا شیرینی). این کار ضربات روانی جدی و غیرقابل جبرانی به خانواده‌ی قربانیان وارد کرده است. در ظاهر موضوع تجاوز به زنان زندانی بر اساس فتوایی صورت می‌گرفت که آیت‌الله منتظری (زمانی که جانشین آیت‌الله خمینی برای رهبری جمهوری اسلامی بود) صادر کرده بود. فتوا در ممنوعیت اعدام زنان باکره صادر شده بود. منتظری بعدها انتساب این فتوا به خود را رد کرد و گفت، به غلط از او نقل قول شده است.<sup>۲۴</sup>

ب- ازدواج اجباری: شماری از زنان زندانی را مجبور به توبه و ازدواج با بازجویان و پاسداران کردند تا از اعدام و شرایط سخت زندان و شکنجه‌ی بیش‌تر درمان بمانند.<sup>۲۵</sup>

ج- تجاوز به عنوان ابزار شکنجه: جمعی از شاهدان شهادت دادند که توسط بازجویان یا به دستور آن‌ها مورد تجاوز قرار گرفته‌اند؛ با این هدف که مقاومتشان را در هم بشکنند و مجبورشان کنند اسرار گروهشان را که حاضر به افشای آن نبودند، افشا کنند.<sup>۲۶</sup>

د- شکنجه‌ی جنسی و سایر رفتارهای بی‌شرمانه: زنان زندانی در معرض اشکال مختلف آزار جنسی قرار گرفته‌اند. شماری زیادی از شاهدان شهادت دادند که مسئولان زندان در موارد متعددی به آن‌ها گفته‌اند که اختیار کامل جسم و روان زنان زندانی در دستشان است و می‌توانند هرکاری که بخواهند در مورد آن‌ها انجام دهند. زنان زندانی را با «فاحشه» نامیدن آن‌ها به تکرار تحقیر می‌کردند.<sup>۲۷</sup> آن‌ها مورد آزار و تحقیر جنسی و روانی قرار می‌گرفتند.

## رفتار با زندانیان سیاسی

۶۸- شاهدانی که در دادگاه و کمیسیون حقیقت‌یاب شهادت دادند، از طیف وسیعی از سازمان‌های سیاسی بودند.<sup>۲۸</sup> وابستگی سیاسی شاهدان، از گروه‌های مذهبی تا گروه‌های مارکسیستی را در بر می‌گیرد. دادگاه لازم ندید وابستگی سیاسی شاهدان را، سوای آنچه که در اظهارنامه‌هایشان آمده است، مورد بررسی قرار دهد. با این حال، توجه دادگاه به این نکته نیز معطوف شد که افرادی هم که وابستگی سیاسی نداشتند، اعدام شده‌اند.<sup>۲۹</sup>

۲۳- طبق قوانین اسلامی ازدواج با زنان منوط به موافقت او است. ازدواج‌هایی که روز قبل از اعدام دختران صورت می‌گرفت، تحت هیچ شرایطی نمی‌توانست با رضایت شخص محکوم صورت گرفته باشد.

۲۴- «جنایت بی‌عقوبت»، صفحات ۶۱ تا ۹۴

۲۵- همان‌جا، صفحات ۹۵ تا ۱۱۲

۲۶- همان‌جا، صفحات ۱۱۳ تا ۱۳۲، در ضمن به متن اظهارات آذر آل‌کنعان در گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب، ضمیمه‌ی الف، شاهد ۲۷ صفحه‌ی ۲۱۰ نگاه کنید.

۲۷- «جنایت بی‌عقوبت»، صفحه‌ی ۱۴۴

۲۸- در ضمن نگاه کنید به بخش ۴-۵ گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب

۶۹- همان‌گونه که سرجفری نایس درسرخان اختتامیه‌ی خود اشاره کرد، شهادت شاهدان در دادگاه و شهادت شاهدان در کمیسیون حقیقت‌یاب، چه درزمینه‌ی سوءرفتارها و چه در جزئیات با یکدیگر همخوانی دارند.<sup>۳۰</sup>

۷۰- شهادت شاهدان در مورد دست‌گیری‌های خودسرانه‌ی افراد، نه تنها در انطباق کامل با شهادت‌های قبلی بود، که به شفاف شدن آن‌ها نیز کمک کرد.<sup>۳۱</sup> بسیاری از مخالفان سیاسی طی هجوم به خانه‌هایشان از جمله، توسط مأموران لباس شخصی دست‌گیر شدند.<sup>۳۲</sup> علت دست‌گیری را به مخالفان سیاسی توضیح نمی‌دادند.<sup>۳۳</sup> شمار زیادی از شاهدان گفتند به مدت طولانی بدون آن‌که محاکمه شده باشند، در بازداشت بودند<sup>۳۴</sup> و تمام مدت در معرض بازجویی و شکنجه قرار داشتند.<sup>۳۵</sup> شاهدان تأکید کردند، در خلال بازجویی زندانیان مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند؛ آن‌ها را شلاق می‌زدند تا از آن‌ها اعتراف بگیرند.<sup>۳۶</sup>

۷۱- دادگاه شهادت‌های متقاعد کننده‌ای در رابط با شکنجه‌های جسمی شنید،<sup>۳۷</sup> که با شهادت شاهدان در کمیسیون حقیقت‌یاب انطباق داشت؛ و حاوی جزئیات مفصل‌تری نیز بود. زندانیان را آن‌قدر با شلاق می‌زدند که بی‌هوش شوند؛<sup>۳۸</sup> آن‌ها را مجبور می‌کردند روزها سرپا بایستند،<sup>۳۹</sup> فلکشان می‌کردند، و در مواردی در حضور حاکم شرع<sup>۴۰</sup> یا به دستور او، زندانیان را به صورت قیانی از سقف آویزان می‌کردند.<sup>۴۱</sup> روی اعضای حساس زندانیان آب جوش می‌ریختند؛<sup>۴۲</sup> موهایشان مشت مشت کنده می‌شد؛<sup>۴۳</sup> دندان‌هایشان شکسته می‌شد.<sup>۴۴</sup> یکی از شاهدان گفت، ۵۰ تا ۶۰ نوع شکنجه وجود داشت، از آن جمله می‌توان به محروم کردن زندانیان از خواب، اشاره کرد.<sup>۴۵</sup> زندانیان را برخی مواقع با تکنیک‌های رزمی و قنடاق تفنگ نگهبانان می‌زدند.<sup>۴۶</sup> دادگاه شهادت‌هایی را در باره یک نوع شکنجه به نام فوتبال شنید،<sup>۴۷</sup> در این نوع شکنجه نگهبانان دور زندانی حلقه می‌زدند و به‌نوبت او را کتک می‌زدند.<sup>۴۸</sup> زندانیان را با کارد و زنجیر می‌زدند.<sup>۴۹</sup>

۲۹- ضمیمه‌ی «د»، روزاول، ملکه مصطفی سلطانی

۳۰- ضمیمه‌ی د، روز سوم، صفحه ۶۲

۳۱- ضمیمه‌ی الف، فصل ۱. ۱

۳۲- ضمیمه‌ی د، روزاول، شهره قنبری، روز دوم جلیل شرفانی

۳۳- ضمیمه‌ی د، روزاول، شهره قنبری

۳۴- ضمیمه‌ی الف، فصل اول، ۱. ۲. ۱

۳۵- ضمیمه‌ی د، روزاول، محمدرضا آشوق

۳۶- ضمیمه‌ی د، روزاول، محمدرضا آشوق، ضمیمه‌ی الف، فصل ۱. ۲. ۳. ۱

۳۷- ضمیمه‌ی الف، فصل ۱. ۲. ۴. ۱

۳۸- ضمیمه‌ی د، روزاول، محمدرضا آشوق

۳۹- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی

۴۰- ضمیمه‌ی د، روزاول، شورا مکاری

۴۱- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی، ضمیمه‌ی آ، فصل ۴. ۲. ۴. ۱

۴۲- ضمیمه‌ی د، روزاول، شورا مکاری

۴۳- ضمیمه‌ی د، روزاول، شورا مکاری

۴۴- ضمیمه‌ی د، روزاول، شورا مکاری

۴۵- ضمیمه‌ی د، روزاول، محمدرضا آشوق

۴۶- ضمیمه‌ی د، روز سوم، صادق ناحومی

۴۷- ضمیمه‌ی آ، فصل اول، ۱. ۲. ۳. ۴

۴۸- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی

۴۹- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی

۷۲- شاهدان یافته‌های کمیسیون حقیقت‌یاب را مبنی بر اینکه شکنجه اثر مخرب روی زندانیان سیاسی داشته است، تأیید کردند.<sup>۵۰</sup> زندانیان در اثر شکنجه استخوان‌هایشان<sup>۵۱</sup> شکست و قسمت‌هایی از بدنشان را از دست دادند.<sup>۵۲</sup> ایرج مصداقی توضیح داد که چگونه در اثر شلاق کلیه‌ی زندانیان از کار افتاده بود و خون‌ریزی می‌کرد،<sup>۵۳</sup> آن‌ها را تحت عمل دیالیز قرار می‌دادند که برای شکنجه‌های بیش‌تر زنده بمانند،<sup>۵۴</sup> و سپس بازجویان و پرستاران، زندانیان را در بهداری شکنجه می‌کردند.<sup>۵۵</sup>

۷۳- دادگاه، شواهد زیادی در مورد انواع شکنجه‌های روانی‌ای شنید که در گزارش به آن‌ها اشاره شده است.<sup>۵۶</sup> این شکنجه‌ها عبارتند از: سلول انفرادی،<sup>۵۷</sup> تهدید به مرگ و قطع عضو،<sup>۵۸</sup> اعدام ساختگی،<sup>۵۹</sup> شکنجه‌ی زندانیان در حضور سایر زندانیان،<sup>۶۰</sup> زندانیان را روزهای متمادی در «راهروی مرگ» زندان گوهردشت نگاه می‌داشتند، جایی که آن‌ها هم‌بندهای خود را می‌دیدند که برای اعدام برده می‌شدند. پس از اجرای اعدام‌ها، پاسداران میان این زندانیان شیرینی پخش می‌کردند که تحقیرشان کنند.<sup>۶۱</sup> زندانبانان می‌کوشیدند با مجازات زندانیانی که با هم همکاری یا هم‌دردی می‌کردند، انسانیت را در آن‌ها بکشند.<sup>۶۲</sup> برای ایجاد فشار بر زندانیان برای همکاری با زندانبانان، به آن‌ها اتاق‌هایی را نشان می‌دادند که دوستانشان در آن‌ها به قتل رسیده بودند.<sup>۶۳</sup>

۷۴- شاهدان در مورد «قبر» یا «تابوت»<sup>۶۴</sup> صحبت کردند: زندانیان را برای مدت‌های طولانی مجبور می‌کردند در سکوت مطلق بدون هیچ حرکتی با چشمان بسته روبه دیوار بنشینند؛ آن‌ها را مجبور می‌کردند به اشعار مذهبی که به طور مکرر از بلندگو پخش می‌شد، گوش کنند و اگر تکان می‌خورند یا صدایی از آن‌ها در می‌آمد (از جمله اگر سرفه یا عطسه می‌کردند)، کتک می‌خوردند. زندانیان را در داخل «جعبه‌هایی» که بسیار تنگ و به شکل تابوت بودند، قرار می‌دادند. این شکنجه، در جهت از بین بردن انسانیت زندانی به کار گرفته می‌شد. شماری از زندانیانی که در این تابوت‌ها قرار گرفتند، حافظه‌ی خود را از دست دادند.

یکی از شاهدان تابوت‌ها را کارخانه‌ی توابع‌سازی نامید که زندانبانان با به کار گرفتن آن ابتدا سعی می‌کردند، هویت زندانیان را از بین ببرند و سپس آن‌ها را به حامیان رژیم تبدیل کنند. شکوفه افزود زندانیانی که در این تابوت‌ها بودند، توانستند از طریق مورش با یک‌دیگر تماس بگیرند و او تنها با تلاش مداوم توانست هوشیاری فکری و هویت خود را حفظ کند.

.....

۵۰- ضمیمه‌ی د، فصل چهار، ۱.۲.۳

۵۱- ضمیمه‌ی د، روز سوم، نوال محسن

۵۲- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی

۵۳- ضمیمه‌ی د، روز اول، شهره قنبری

۵۴- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی

۵۵- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی

۵۶- ضمیمه‌ی الف، فصل اول، ۵.۲.۱

۵۷- ضمیمه‌ی د، روز اول، مهدی آشوق

۵۸- ضمیمه‌ی د، روز اول، محمدرضا آشوق، روز دوم، روحیه جهانپور

۵۹- ضمیمه‌ی د، روز اول، شورا مکاری

۶۰- ضمیمه‌ی د، روز اول، شهره قنبری

۶۱- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی

۶۲- ضمیمه‌ی د، روز دوم، احمد موسوی

۶۳- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی

۶۴- ضمیمه‌ی الف، فصل اول، ۷.۴.۲.۱

۶۵- ضمیمه‌ی د، روز اول، شهره قنبری، روز دوم، شکوفه سخی، روز سوم، ایرج مصداقی



۷۵- دادگاه شواهدی را در مورد اعمال بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز شنید<sup>۶۶</sup> که با نتایج تحقیقات کمیسیون حقیقت‌یاب همخوانی دارند؛ از جمله ازدحام بیش از حد در زندان. ازدحام به حدی زیاد بود که زندانیان مجبور بودند مدت‌های طولانی در سلول‌هایشان سرپا بایستند.<sup>۶۷</sup> وضعیت وخیم بهداشتی، از جمله محروم کردن زندانیان از صابون‌هایی که خانواده‌هایشان تأمین کرده بودند، موجب شیوع بیماری‌های پوستی در زندان شد.<sup>۶۸</sup> شاهدان از آن‌چه که در گزارش آمده است، فراتر رفتند: خانواده‌ها و فرزندان مأموران زندان به صورت زندانیان تف می‌کردند؛<sup>۶۹</sup> زنان بهایی را مجبور می‌کردند به اسلام بگروند و با پاسداران ازدواج کنند؛<sup>۷۰</sup> در یک مورد، زندانبانان زن مسلولی را به بند زندانیان سیاسی فرستادند که در نتیجه نیمی از زندانیان بیمار شدند.<sup>۷۱</sup> ایرج مصداقی تصریح کرد که زندانیان را تحت فشار قرار می‌دادند تا به اعتراف‌های تلویزیونی تن دهند.<sup>۷۲</sup> در مقابل به آن‌ها قول داده می‌شد به‌عنوان تنها راه برای جلوگیری از شکنجه‌ی بیش‌تر اعدام آنها را تسریع خواهند کرد.<sup>۷۳</sup>

۷۶- شاهدان شهادت دادند که دادگاه‌هایی که به جرائم سیاسی مخالفان سیاسی رسیدگی می‌کردند، فرمایشی بودند؛<sup>۷۴</sup> به زندانیان امکان دسترسی به مشاوره‌ی حقوقی داده نمی‌شد و اغلب محاکمه‌ها چند دقیقه بیشتر طول نمی‌کشید؛<sup>۷۵</sup> حکم یک زندانی بعد از آن‌که تقاضای تجدید نظر کرد، دوبرابر شد.<sup>۷۶</sup> بخش بزرگی از اتهام‌ها سیاسی و عبارت بودند از: هواداری از سازمان‌ها و احزاب مخالف، پخش نشریه و اعلامیه و اهدای کمک مالی به آن‌ها. در مواردی به نظر می‌رسد که محاکمه‌ای در کار نبوده است. در مواردی اعدام‌ها به‌تمامی فراقضایی بوده‌اند.<sup>۷۷</sup> یکی از شاهدان اظهارداشت هرچه زندانی مقاومت بیش‌تری از خود نشان می‌داد، حکم سنگین‌تری دریافت می‌کرد، تا حدی که اگر کسی از خود دفاع می‌کرد، به اعدام محکوم می‌شد.<sup>۷۷</sup>

۷۷- دادگاه در شهادت‌هایی در رابطه با «کمیسیون مرگ» شنید که براساس فتوای رهبر جمهوری اسلامی در تابستان ۱۳۶۷، زندانیان را در رابطه با عقایدشان بازجویی و به مرگ محکوم کرد؛<sup>۷۹</sup> جلسات در بهترین حالت چند دقیقه بیشتر طول نمی‌کشید؛ از زندانیان سؤال می‌شد، آیا حاضر هستند علیه عراق بجنگند یا به خاطر ایران روی مین بروند. در صورتی که به این سؤال‌ها پاسخ منفی می‌دادند، به مرگ محکوم می‌شدند؛<sup>۸۰</sup> از زندانیان سؤال می‌شد، آیا هنوز از گروه‌های مخالف هواداری می‌کنند یا در مورد رژیم جدید چه فکر می‌کنند؛<sup>۸۱</sup> کسانی که به اعتقاد مارکسیستی خود اعتراف کردند، بدون استثناء اعدام شدند.<sup>۸۲</sup>

۷۸- شاهدان به وقوع تعرض جنسی علیه زنان شهادت دادند.<sup>۸۳</sup> (به پاراگراف‌های ۶۴ تا ۶۷ نگاه کنید).<sup>۸۴</sup> زنان حامله شکنجه شدند.<sup>۸۵</sup>

۷۹- شاهدان جزئیات استفاده جمهوری اسلامی از زندانیان تواب<sup>۸۶</sup> علیه سایر زندانیان را در اختیار دادگاه گذاشتند. زندانیان غیرسیاسی از قبیل قاچاقچیان مواد مخدر را برای خبر چینی به میان زندانیان سیاسی می‌فرستادند.<sup>۸۷</sup> دادگاه، شهادت تکان‌دهنده‌ای را از یکی از شاهدان شنید. وی را برای همکاری با مسئولان زندان تحت فشار قرار داده بودند تا به‌عنوان یکی از اعضای جوخه‌ی اعدام، به زندانیان دیگر شلیک کند. او این حالت را «تجاوز روانی» نامید و اضافه کرد که: «من خودم نبودم، بازیچه‌ای شده بودم ... این من نبودم که چنین کرد.»<sup>۸۸</sup>

۸۰- شاهدان متعددی شهادت دادند که استفاده از اعدام به‌عنوان مجازات برای جرائم سیاسی فاقد هرگونه رویه‌ی قضایی و پایه‌ی حقوقی بوده است.<sup>۸۹</sup> برخی اعدام‌ها به فاصله‌ی چند دقیقه یا چند ساعت یا چند روز پس از دست‌گیری به اجرا در آمدند؛<sup>۹۰</sup> اتوبوس‌های مملو از زندانی به محل اعدام منتقل می‌شدند. از جوخه‌ی اعدام برای اعدام زندانیان استفاده می‌شد. چنان‌چه اگر کسی در مرحله‌ی

اول اعدام زنده می‌ماند، در مرحله‌ی بعد با زدن تیر خلاص به وی، به زندگیش پایان می‌دادند. معلولین را با صندلی چرخدار برای اعدام می‌بردند.<sup>۹۱</sup>

۸۱- در تعدادی از موارد، شاهدان مختلف در مورد اعدام‌های واحد شهادت دادند. به‌عنوان نمونه شکوفه سخی<sup>۹۲</sup> و عزیزه شاهمرادی<sup>۹۳</sup>، شهادت دادند که فاطمه مدرسی، عضو حزب توده، در زندان اعدام شد. شاهدانی در هر دو مرحله‌ی دادرسی به قتل‌عام در فرودگاه سنندج شهادت دادند.<sup>۹۴</sup>

۸۲- دادگاه شواهد دیگری را شنید که کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، که به پیروی از فتوای آیت‌الله خمینی انجام گرفت، «برنامه‌ریزی شده و سازمان یافته بود.» قبل از کشتار، پرسش‌نامه‌هایی در بند پخش شده بود که در آن‌ها از زندانیان پرسیده شده بود که «آیا هنوز به عقاید سیاسی گذشته خود پای‌بند هستید؟» «آیا رژیم را قبول دارید؟» مسئولان زندان از یک سال پیش از واقعه، زندانیان را دوباره طبقه‌بندی کردند، به گونه‌ای که هنگام وقوع اعدام‌ها، زندانیان براساس وابستگی‌های سیاسی‌شان از هم جدا شده بودند.<sup>۹۵</sup>

- .....
- ۶۶- ضمیمه‌ی الف، فصل اول، ۴.۷. ۱.۲.
- ۶۷- ضمیمه‌ی د، روز اول، شهره قنبری، روز دوم، شکوفه سخی، روز سوم، ایرج مصداقی
- ۶۸- ضمیمه‌ی د، روز دوم، احمد موسوی
- ۶۹- ضمیمه‌ی د، روز اول، شهره قنبری
- ۷۰- ضمیمه‌ی د، روز دوم، روحیه جهانپور
- ۷۱- ضمیمه‌ی د، روز اول، شهره قنبری
- ۷۲- ضمیمه‌ی الف، فصل اول، ۴. ۶. ۲. ۱.
- ۷۳- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی
- ۷۴- ضمیمه‌ی الف، فصل اول، ۳. ۱.
- ۷۵- ضمیمه‌ی د، روز اول، شهره قنبری، روز سوم، صادق ناهومی
- ۷۶- ضمیمه‌ی د، روز اول، شورا مکاری
- ۷۷- ضمیمه‌ی د، روز اول، ملک مصطفی سلطانی
- ۷۸- ضمیمه‌ی د، روز اول، محمدرضا آشوق
- ۷۹- ضمیمه‌ی الف، فصل دوم، ۴. ۲. ۲.
- ۸۰- ضمیمه‌ی د، روز اول، محمدرضا آشوق
- ۸۱- ضمیمه‌ی د، روز اول، شورا مکاری
- ۸۲- ضمیمه‌ی د، روز دوم، مهدی اصلانی
- ۸۳- ضمیمه‌ی الف، فصل اول، ۲. ۴. ۱.
- ۸۴- ضمیمه‌ی الف، فصل چهارم، ۴. ۱.
- ۸۵- ضمیمه‌ی د، روز اول، شورا مکاری
- ۸۶- ضمیمه‌ی الف، فصل اول، ۳. ۴. ۱.
- ۸۷- ضمیمه‌ی د، روز اول، محمدرضا آشوق
- ۸۸- ضمیمه‌ی د، روز دوم، مهدی معمارپور
- ۸۹- ضمیمه‌ی الف، فصل دوم، ۱. ۲.
- ۹۰- ضمیمه‌ی د، روز اول، ملک مصطفی سلطانی، روز دوم، جلیل شرهانی
- ۹۱- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی
- ۹۲- ضمیمه‌ی د، روز دوم، شکوفه سخی
- ۹۳- ضمیمه‌ی الف، شاهد ۴۹
- ۹۴- ضمیمه‌ی د، روز اول، ملک مصطفی سلطانی
- ۹۵- ضمیمه‌ی د، روز دوم، امیر اطمیابی، احمد موسوی

شاهدان یافته‌های گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب مبنی بر این‌که در سال ۱۳۶۷، زندانیان برخی از بندها همگی اعدام شدند را تأیید کردند.<sup>۹۶</sup> آن‌ها تأیید کردند که شیوه‌ی غالب در اعدام زندانیان، به دار کشیدن آن‌ها بود.<sup>۹۷</sup> آن‌ها تأیید کردند، پیش از اعدام‌ها ارتباط زندان‌ها با بیرون قطع شد.<sup>۹۸</sup>

۸۳- شاهدان در مورد زندان‌هایی که فهرست نام آن‌ها در گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب آمده بود، شهادت دادند و از جزئیات بیشتری از نقض حقوق بشر در چهار دیواری زندان‌ها سخن گفتند.<sup>۹۹</sup> شاهدان گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب را، مبنی بر این‌که «بسیاری از زندانیان در بدو دست‌گیری در بازداشتگاه‌های موقت نگهداری می‌شدند»، تأیید کردند.<sup>۱۰۰</sup> این امر بیش‌تر به خاطر پر بودن زندان‌های اصلی انجام می‌گرفت.<sup>۱۰۱</sup> آن‌ها همچنین، یافته‌های کمیسیون رامبنی بر این‌که برای زندانیان عادی بود که از یک زندان به زندان دیگری در هر کجای ایران، منتقل شوند، تأیید کردند.<sup>۱۰۲</sup> ایرج مصداقی شواهد دقیقی در مورد بندهای زندان‌های اوین و گوهردشت و نحوه‌ی استفاده از آن‌ها به دادگاه عرضه کرد و محل اجرای اعدام‌ها و دادگاه‌های نمایشی را روی نقشه‌هایی که تهیه کرده بود، نشان داد.<sup>۱۰۳</sup>

۸۴- دادگاه، شواهد بیش‌تری مربوط به زندانی کردن و شکنجه‌ی افراد زیر سن قانونی،<sup>۱۰۴</sup> اعدام کودکان در سنین ۱۱ سالگی<sup>۱۰۵</sup> و وادار کردن برخی از آن‌ها به شرکت در جوخه‌ای اعدام و شلیک تیر خلاص، شنید.<sup>۱۰۶</sup>

۸۵- شاهدان تأثیرات بدرفتاری‌هایی را که با آن‌ها صورت گرفته بود، به صراحت تمام به دادگاه یادآوری کردند.<sup>۱۰۷</sup> یکی از شاهدان به دادگاه چنین گفت: «ما به‌عنوان خانواده رنج بسیار کشیدیم ... صدماتی که به ما وار کرده‌اند، هنوز التیام نیافته‌اند ... و هرگز التیام نخواهند یافت.» شاهد دیگری گفت: «این چیزی است که هرگز رهایت نمی‌کند، بار سنگین خاطره‌ی «همه‌ی کسانی که نتوانستند از آن رهایی یابند و روی پای خود بایستند ... به مردگان متحرک تبدیل شدند.»<sup>۱۰۸</sup>

.....  
۹۶- ضمیمه‌ی د، روز دوم، احمد موسوی

۹۷- ضمیمه‌ی د، روز دوم، مهدی اصلانی

۹۸- ضمیمه‌ی د، روز دوم، نادر بکایی

۹۹- ضمیمه‌ی الف، فصل سوم

۱۰۰- ضمیمه‌ی الف، فصل سوم، ۱. ۴. ۳

۱۰۱- ضمیمه‌ی د، روز دوم، مهدی معمارپور

۱۰۲- ضمیمه‌ی د، روز دوم، احمد موسوی

۱۰۳- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی

۱۰۴- ضمیمه‌ی د روز سوم، صادق ناهومی، ایرج مصداقی، ضمیمه الف، فصل چهارم، ۲. ۴

۱۰۵- ضمیمه‌ی د، روز اول، محمدرضا آشوق، روز دوم، روحیه جهانپور

۱۰۶- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی

۱۰۷- ضمیمه‌ی الف، فصل چهار ۳. ۴

۱۰۸- ضمیمه‌ی د، روز دوم، شکوفه سخی

۸۶- شاهدان شهادت دادند شکنجه و رفتار بی‌رحمانه، زندانیان را به خودکشی کشاند.<sup>۱۰۹</sup> امیراطیابی،<sup>۱۱۰</sup> رحمان درکشیده<sup>۱۱۱</sup> و نادر بکایی<sup>۱۱۲</sup> شهادت دادند، جلیل شهبازی با شیشه‌ی شکسته رگ دست خود را برید؛ خودکشی کرد.

۸۷- دادگاه، شواهد محکمی از رنج‌هایی که خانواده‌های قربانیان متحمل شدند، دریافت کرد:<sup>۱۱۳</sup> آن‌ها هنگامی که سعی می‌کردند پیکر دل‌بندان خود را که هنوز خون‌چکان بود تحویل بگیرند، مرتب با مانع تراشی مسئولان حکومت مواجه می‌شدند.<sup>۱۱۴</sup> خانواده‌ها را از محل نگهداری بستگان زندانی‌شان بی‌خبر نگه می‌داشتند.<sup>۱۱۵</sup>

۸۸- نیما سروسستانی، یک مصاحبه‌ویدیویی به دادگاه تسلیم کرد که با آیت‌الله منتظری جانشین ولی فقیه انجام شده بود. آیت‌الله منتظری در این مصاحبه می‌گوید که کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ بر اساس دستور رهبر جمهوری اسلامی و بدون هیچ دلیلی به اجرا درآمد. آقای سروسستانی ویدیوی دیگری را در دادگاه به نمایش درآورد که مربوط بود به گفتگوی او با یک گورکن در شیراز که می‌گفت، دوجین دوجین اجساد زندانیان سیاسی اعدام شده را به او تحویل دادند. وی در ادامه اضافه کرد که از پیش به او خبر می‌دادند که اجساد را تحویلش می‌دهند. گورهای زندانیان سیاسی آن‌قدر زیاد بودند که به چشم دیده نمی‌شدند.<sup>۱۱۶</sup>

۸۹- سرانجام، شاهدان شواهدی در مورد مجرمین به دادگاه ارائه دادند. آن‌ها به اسامی جدیدی اشاره کردند و در رابطه با برخی از مجرمان اطلاعاتی دادند که اطلاعاتی را تأیید می‌کرد که در گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب به آن‌ها اشاره شده است. از جمله می‌توان به اسامی زیر اشاره کرد، بی‌آن‌که مسائل طرح‌شده منحصر به این افراد باشند:<sup>۱۱۷</sup>

آ- صادق خلخالی، مسئول «اعدام‌های دسته جمعی» در کردستان.<sup>۱۱۸</sup> شاهدان در هر دو مرحله‌ی دادرسی شهادت داده‌اند، خلخالی به محکومان به مرگ که خواستار محاکمه‌ی عادلانه‌ی خود شده بودند، می‌گفت که اگر بی‌گناه باشند به بهشت خواهند رفت؛ اگر گناهکار باشند به جهنم.<sup>۱۱۹</sup>

ب- حاج داوود رحمانی. شاهدان در هر دو مرحله‌ی دادرسی شهادت دادند او رئیس زندان قزلحصار بوده است.<sup>۱۲۰</sup> شهره قنبری، شهادت داد: «رحمانی به زندانیان فشار می‌آورد به اسلام بگردند.»<sup>۱۲۱</sup> دونفر از شاهدان شهادت دادند، رحمانی مبتکر «قبرها» در زندان قزلحصار بود.<sup>۱۲۲</sup>

۱۰۹- ضمیمه‌ی الف، فصل چهار، ۴.۴

۱۱۰- ضمیمه‌ی د، روز دوم، امیراطیابی

۱۱۱- ضمیمه‌ی الف، شاهد شماره ۲۳

۱۱۲- ضمیمه‌ی د، روز دوم، نادر بکایی

۱۱۳- ضمیمه‌ی الف، فصل پنج

۱۱۴- ضمیمه‌ی د، روز اول، ملکه مصطفی سلطانی

۱۱۵- ضمیمه‌ی د، روز اول، شورا مکارمی

۱۱۶- ضمیمه‌ی د، روز دوم، نیما سروسستانی

۱۱۷- ضمیمه‌ی الف، فصل چهار

۱۱۸- ضمیمه‌ی د، روز اول، ملکه مصطفی سلطانی

۱۱۹- ضمیمه‌ی د، روز اول، ملکه مصطفی سلطانی

۱۲۰- ضمیمه‌ی د، روز دوم، شکوفه سخی، س اف. ضمیمه الف، فصل چهار ۶.۲.۶

۱۲۱- ضمیمه‌ی د، روز اول، شهره قنبری

۱۲۲- ضمیمه‌ی د، روز اول، شهره قنبری؛ روز دوم، احمد موسوی

احمد موسوی گفت: «رحمانی زندانیان را مجبور می‌کرد با چشم‌بند تا ۷۲ ساعت روبه دیوار بایستند، بدون آن‌که بخوابند. اگر زندانیان خمیازه می‌کشیدند، تنبیه می‌شدند.»<sup>۱۲۳</sup>

ج- اسامی سایر مجرمینی که نامشان در دو مرحله‌ی دادرسی ذکر شد، عبارتند از: حسینعلی نیری، مصطفی پورمحمدی، مرتضی اشراقی، سید حسین مرتضوی،<sup>۱۲۴</sup> محمد مقیسه (ناصریان)، داوود لشکری،<sup>۱۲۵</sup> علی میثری،<sup>۱۲۶</sup> آیت‌الله محمدی گیلانی،<sup>۱۲۷</sup> خلیل تراب‌پور،<sup>۱۲۸</sup> موسوی تبریزی،<sup>۱۲۹</sup> اسدالله لاجوردی.<sup>۱۳۰</sup>

### نتیجه‌گیری دادگاه در خصوص اعتبار دعاوی

۹۰- در پایان دادرسی سه روزه، سرجفری‌نایس، از طرف هیئت دادستانی ختم دادخواهی را اعلام کرد. وی گفت مردم ایران از جانب «جامعه‌ی جهانی و حقوقدانان آن مورد بی‌توجهی» قرار گرفته‌اند. وی، در عین حال اراده‌ی شاهدان به «خلق مجموعه‌ای از شواهد معتبر و قابل طرح در مجامع حقوقی را ستود. دادستان، از قضات درخواست کرد، شواهد را که دربرگیرنده‌ی «کلیه‌ی مستندات قابل اعتماد است»، ارزیابی کنند.<sup>۱۳۱</sup>

۹۱- سرجفری‌نایس گفت که هیئت دادستانی در اثبات جرائمی که جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ علیه بشریت مرتکب شده است، بر دو نکته تکیه کرد:

- ۱- «نقض فاحش حقوق بشر طی این سال‌ها در ایران انجام گرفته است.»
- ۲- این نقض‌ها «برنامه‌ریزی شده و گسترده بوده است» و ارتکاب این جرائم «در اثر یا در جهت گسترش» سیاست‌های حکومت بوده است.<sup>۱۳۲</sup>

۹۲- هیئت دادستانی جمهوری اسلامی ایران را به ارتکاب پنج مورد «نقض فاحش حقوق بشر» متهم کرد. این موارد عبارتند از: ۱- قتل، از آن جمله، اعدام بیش از ۴۰۰۰ زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ و متجاوز از ۱۲۰۰۰ زندانی سیاسی به‌فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴؛ ۲- شکنجه‌ی جسمی و روانی؛ ۳- آزار و اذیت مخالفان سیاسی و اقلیت‌های قومی و مذهبی؛ ۴- تجاوزجنسی به زنان و مردان؛ ۵- حبس غیرقانونی، از جمله بازداشت‌های بدون محاکمه، برپایی دادگاه‌های فرمایشی همراه با رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز. پی‌گردها با رفتارهای بی‌رحمانه همراه بود و خانواده‌های زندانیان را در وضعیتی قرار داد که «آثار گسترده‌ی خشونت‌باری از خود به‌جا گذاشت که تا امروز ادامه یافته است.»<sup>۱۳۳</sup>

۱۲۳- ضمیمه‌ی د، روز دوم، احمد موسوی

۱۲۴- ضمیمه‌ی د، روز دوم، شکوفه سخی

۱۲۵- ضمیمه‌ی د، روز دوم، مهدی اصلانی

۱۲۶- ضمیمه‌ی د، روز دوم، نادر بکائی، روز سوم، ایرج مصداقی

۱۲۷- ضمیمه‌ی د، روز سوم، نوال محسن

۱۲۸- ضمیمه‌ی د، روز اول، شورا مکارمی

۱۲۹- ضمیمه‌ی د، روز اول، ملکه مصطفی سلطانی

۱۳۰- ضمیمه‌ی د، روز سوم، ایرج مصداقی؛ نوال محسن

۱۳۱- ضمیمه‌ی د، روز سوم، صفحه ۶۰

۱۳۲- همان‌جا

۱۳۳- همان‌جا، صفحات ۶۰ تا ۶۲

۹۳- هیئت دادستانی، به‌تکرار توجه دادگاه را به شواهدی که در دادگاه ارائه شد و در گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب به آن‌ها اشاره شده است، جلب کرد. سرجفری نایب نشان داد که اظهارات شاهدان «در مورد چگونگی رخدادها، نیز در مورد شرح رخدادها»، زمانی که در مورد حوادث واحد و سرنوشت زندانیان واحد صحبت می‌کنند، با یکدیگر هم‌خوانی دارند. هیئت دادستانی به رخدادهایی استناد کرد که در بیش از ۳۰ زندان در سراسر ایران اتفاق افتاد و «بخشی از سیاست طراحی شده و عمدی» بود که توسط حکومت ایران به اجرا درآمد و «توسط بخش‌های دولتی و در چهاردیواری نهادهای دولتی و با دستور مستقیم مقامات حکومتی» عملی شد. هیئت دادستانی کمک شاهدان متخصص دادگاه را، در تعیین مسئولیت حکومت، مورد تأکید قرار داد.<sup>۱۳۴</sup>

۹۴- سرجفری نایب، در پایان اظهاراتش، از جمهوری اسلامی ایران خواست: «آنچه را که جامعه‌ی جهانی در لزوم رعایت حقوق بشر برای هر یک از افراد بشر به رسمیت شناخته است، به رسمیت بشناسد و اعلام کرد: «نتیجه‌ی این دادگاه سند عمومی محکومیت آن‌ها خواهد بود.»

۹۵- دادگاه نتیجه می‌گیرد:

الف- شواهد انکارناپذیری وجود دارد که این ادعا را تأیید می‌کند که در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ در زندان‌های ایران نقض حقوق بشر به طور اساسی و گسترده رخ داده است؛  
ب- نقض حقوق بشر از سوی مقامات حکومتی، قضات، دادستان‌ها، مسئولان زندان، شکنجه‌گران و بازجویان «در چهاردیواری نهادهای دولتی و طبق دستور مستقیم مقامات حکومتی انجام گرفته است.»  
ج- نقض‌ها برنامه‌ریزی شده و گسترده بوده و جهت پیش‌برد سیاست‌های حکومت علیه مردم غیرنظامی اعمال شده است؛  
د- همان‌گونه که کمیسیون حقیقت‌یاب نتیجه‌گیری کرده است یک قدرت مرکزی موارد نقض حقوق بشر را طراحی، ترغیب و اجرا کرده است (یا باعث شده است به اجرا درآید.) و جمهوری اسلامی ایران تنها مرجع مسئول این اعمال است.

## فصل چهارم

### قوانین حاکم

۹۶- با توجه به شواهد و مدارکی که در اختیار دادگاه قرار گرفت، اکنون مقتضی است قوانین حقوقی ناظر بر جرائم انجام شده، مورد بحث قرار گیرد.

### قانون ایران

۹۷- دادگاه خود را ملزم به رعایت قوانین ایران نمی‌داند، با این همه به این نکته توجه دارد که قوانین مذکور با جرائم انجام شده ارتباط دارند.

۹۸- ایران از سابقه‌ی تاریخی به‌نسبه طولانی نظام پارلمانی و حقوقی مدون برخوردار است. انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵، سلطنت را مجبور کرد به استقرار مجلس تن دهد و برتری مجلس بر امور کشور را بپذیرد.

۹۹- یک نظام دادگاهی تا حدی در تناسب با شرایط و تا حدی سکولار به پیروی از نظام حقوقی فرانسه ایجاد شد. مجلس، یک قانون مدنی مبتنی بر قوانین شرع، قانون جزا و آیین دادرسی مدنی، مبتنی بر نظام حقوقی فرانسه، تدوین کرد. سوءاستفاده از این سیستم، منجر به قیامی دیگر و سقوط سلطنت در بهمن ۱۳۵۷ و تأسیس جمهوری اسلامی شد.

۱۰۰- هیئت دادستانی، دکتر هدایت متین‌دفتری، معاون اسبق کانون وکلای ایران را به‌عنوان شاهد متخصص به دادگاه معرفی کرد.<sup>۱۳۵</sup>

۱۰۱- دکتر متین‌دفتری توضیح داد که چگونه جمهوری اسلامی ایران از نخستین روزهای تأسیس خود، اقداماتی کرد که معطوف بود «به از میان بردن نتایج روند ۷۰ ساله‌ی یک قوه‌ی مقننه‌ی مدرن و سکولار»<sup>۱۳۶</sup> از طریق تصفیه‌ی «قضات با صلاحیت قوه‌ی قضاییه‌ی سکولار»،<sup>۱۳۷</sup> استخدام «طلبه‌ها و معلمین حوزه‌های علمیه که به آن‌ها در «حین خدمت» آموزش مختصری در زمینه‌ی قضاوت دادند»،<sup>۱۳۸</sup> حمله به کانون وکلای مستقل و تصفیه‌ی اعضای «نامطلوب» آن و دست‌گیری و زندانی کردن اعضای هیئت مدیره‌ی کانون وکلا.<sup>۱۳۹</sup>

۱۰۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی (مصوبه‌ی سال ۱۳۵۸)، مبانی نظام حقوقی ایران را از طریق برقراری قوانین اسلامی و مقرر کردن آن به‌عنوان عالی‌ترین و یگانه‌ی هنجار حقوقی در ایران، تغییر داد. قانون اساسی، قدرت نامحدود به رهبر جمهوری اسلامی، به‌عنوان بالاترین مفسر قوانین آسمانی، اعطا کرد. دستورات او می‌تواند بالاتر از هر نوع قانون یا مقررات حقوقی باشد.<sup>۱۴۰</sup>

۱۳۵- نگاه کنید به اظهارات دکتر متین‌دفتری، ضمیمه‌ی ب، صفحات ۵ تا ۲۶، ضمیمه‌ی د، روز اول، صفحات ۳۶ تا ۴۸

۱۳۶- ضمیمه‌ی ب، روز اول، صفحه ۶

۱۳۷- همان‌جا، صفحه‌ی ۱۹

۱۳۸- همان‌جا، صفحه‌ی ۲۰

۱۳۹- همان‌جا، صفحه‌ی ۲۱ تا ۲۵

۱۴۰- همان‌جا، صفحه‌ی ۷

۱۰۳- در حالی که قانون اساسی تضمین‌هایی از قبیل آزادی اجتماعات (ماده ۲۷)، آزادی بیان (ماده ۲۳)، اصل برائت (ماده ۳۷)، حق استفاده از وکیل (ماده ۳۵)، ممنوعیت شکنجه (ماده ۳۸) را فراهم آورده است، برخورداری از این حقوق، به استثنای ممنوعیت شکنجه، منوط به محدودیت‌هایی است که قوانین و احکام عمومی و نیز احکام اسلامی در نظر گرفته‌اند. به هر حال قانون اساسی آزادی‌های مذهبی و برخورداری از حقوق مساوی در برابر قانون و برابری زن و مرد را تضمین نکرده است.

۱۰۴- امتیازات محدودی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده بود، با صدور احکام ولی فقیه و طرح «اتهام‌های مبهم، اما جدی «محرابه با خدا» و «فساد بر روی زمین»<sup>۱۴۱</sup> به سرعت از بین رفت و اصول عام پذیرفته شده‌ی جزایی «هیچ مجازاتی بدون قانون میسر نیست» را از اعتبار انداخت.<sup>۱۴۲</sup>

۱۰۵- فتوای خمینی در محکوم کردن گروه‌های مخالف، به‌عنوان یکی از موارد «قضایات جمعی»<sup>۱۴۳</sup> مورد استفاده‌ی قضات قرار گرفت و به آن‌ها اجازه داد، هر عضو گروه‌های مخالف را بدون تحقیقات به مرگ محکوم کنند.

۱۰۶- چنانچه در گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب هم آمده است،<sup>۱۴۴</sup> ایران یکی از اعضای بنیان‌گذار سازمان ملل است، به اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر رأی مثبت داده است، و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را بدون هیچ قید و شرطی در سال ۱۹۷۵ تصویب کرده است. بنابراین دادگاه نتیجه می‌گیرد که ضوابط مندرج در میثاق بین‌المللی، بخشی از قوانین داخلی ایران را تشکیل می‌دهند.

۱۰۷- همه‌ی شاهدان در مقابل کمیسیون حقیقت‌یاب و در دادگاه شهادت دادند که قربانیان هیچ‌گونه دسترسی‌ای به وکیل مدافع نداشتند و در مقابل دادگاه‌های ایران از هیچ وسیله‌ی چاره‌جویی برخوردار نبودند.

۱۰۸- بنابراین، دادگاه نتیجه می‌گیرد که برچیده شدن نظام قضایی ایران و جای‌گزین شدن آن توسط روحانیون وفادار اما ناکارآمد و بی‌تجربه که در مراحل آغازین انقلاب سال ۱۳۵۷ به‌عنوان قاضی بر سرکار آمده بودند، در نابودی بی‌رحمانه و غیرقانونی همه‌ی گروه‌های مخالف و وابستگان به اقلیت‌های قومی و مذهبی‌ای که رژیم را به چالش کشیدند، عاملی عمده بود.

۱۰۹- دادگاه به این امر توجه دارد که به‌رغم این‌که مرتکبین این جنایات مقررات مندرج در قوانین حقوقی ایران و تضمین‌های در نظر گرفته شده در قانون اساسی (به‌رغم تمام محدودیت‌های آن‌ها) و ضوابط مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را نقض کرده‌اند، نه تنها از سوی جمهوری اسلامی تحت تعقیب قرار نگرفتند، که مورد تقدیر قرار گرفتند و به مدارج بالای دولتی منصوب شدند.<sup>۱۴۵</sup>

۱۱۰- کوتاهی جمهوری اسلامی در اجرای تعهدات بین‌المللی، در رسیدگی به این شقاوت‌ها و محاکمه‌ی مرتکبین آن‌ها، نقض قوانین بین‌المللی است. دادگاه، به‌عقده می‌باید از جمهوری اسلامی می‌خواست، این کوتاهی را با رسیدگی به این جرائم و محاکمه‌ی مرتکبین با نظارت یک کمیسیون مستقل بین‌المللی جبران کند. با این همه با در نظر گرفتن این مسئله که قوه‌ی قضاییه و سایر نهادها و افراد در بالاترین رده‌های جمهوری اسلامی با مرتکبین این جنایات هم‌دست بوده‌اند و در بسیاری از موارد در ارتکاب این جنایات فجیع مشارکت فعال داشته‌اند، دادگاه چنین خواستی را بی‌مورد می‌داند. دادگاه جمهوری اسلامی ایران را مسئول این جنایات می‌داند.



۱۱۱- اعمال غیرمسئولانه‌ی حاکمان، قضات، دادستانان، شکنجه‌گران و همه‌ی کسانی که این جنایات‌ها را مرتکب شدند، موجب شد، حقوق بشر و حاکمیت قانون به‌تمامی زیرپا گذاشته شود؛ ارتکاب این جنایات به فورم و وضعیتی تبدیل شده است که به درستی می‌توان آن را «عادی شدن جنایت»<sup>۱۴۶</sup> خواند؛ وضعیتی که متأسفانه تا امروز ادامه یافته است.

### عرف حقوق بین‌الملل در دهه‌ی ۱۳۶۰

۱۱۲- به منظور تعیین میزان مسئولیت جمهوری اسلامی در اعمالی که مرتکب شده است، گستره‌ی زمانی صلاحیت این دادگاه در دادرسی فعلی، آن‌گونه که کارزار و کمیته‌ی راهبردی حقوقی ایران تریبونال تعیین کرده‌اند، محدود است به فاصله‌ی آغاز سال ۱۳۶۰ تا پایان سال ۱۳۶۷.

۱۱۳- در این محاکمه، هیئت دادستانی، جمهوری اسلامی ایران را به ارتکاب جنایت علیه بشریت متهم کرد،<sup>۱۴۷</sup> و شواهد و اسناد متعددی، به‌عنوان دلیل و در تأیید اتهام‌های وارده به دادگاه تسلیم کرد.<sup>۱۴۸</sup>

۱۱۴- جنایت علیه بشریت، به روشنی در ماده‌ی ۷ معاهده‌ی رُم که موجب تأسیس دادگاه جنایی بین‌المللی شد، تعریف و تدوین شده است. معاهده‌ی رُم در سال ۲۰۰۲ به اجرا در آمد.<sup>۱۴۹</sup> با این همه قبل از بحث در مورد الزامات برای اثبات وقوع جنایت علیه بشریت و عناصر متشکله‌ی آن، مسئله‌ای که لازم است این دادگاه مورد توجه قرار دهد، این است که آیا جنایت علیه بشریت در زمانی که جنایاتی که در این دادرسی مطرح شد، اتفاق افتاد، بخشی از عرف حقوق بین‌الملل بوده است یا نه و آیا بر این اساس می‌توان جمهوری اسلامی را به جنایت علیه بشریت محکوم کرد؟

۱۱۵- در سال ۱۳۶۰، آغاز صلاحیت زمانی این دادرسی، این موضوع که جنایت علیه بشریت از جمله اعمالی است که در حوزه‌ی مسئولیت دولت و مسئولیت کیفری فردی، به طور قاطع در معاهده‌ها، توافقنامه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۱۵۰</sup> قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، این جنایات را با لحن قوی ناقض قوانین بین‌المللی می‌شمارند.<sup>۱۵۱</sup> در روند دادرسی‌های رسمی، در سال‌های منتهی به سال ۱۳۶۰ و سراسر این دهه، تریبونال‌های بین‌المللی و دادگاه‌های محلی شماری از افراد را به جرم جنایت علیه بشریت محکوم کردند.<sup>۱۵۲</sup>

۱۴۱- همان‌جا، صفحات ۹ و ۱۰

۱۴۲- همان‌جا، صفحه‌ی ۹

۱۴۳- ضمیمه‌ی د، روز اول، صفحه‌ی ۳۹

۱۴۴- ضمیمه‌ی الف، صفحه ۶

۱۴۵- همان‌جا، صفحات ۴۰۹ تا ۴۱۹

۱۴۶- از این عنوان، هانا آرنه در نوشته‌ای به سال ۱۹۶۳ به نام «آی‌سی‌دی در بیت‌المقدس: گزارشی در مورد ابتدال شر» استفاده کرد. ابتدال شر (عادی شدن جنایت) یک اصطلاح فلسفی است؛ به معنای افرادی که با توجه به الزامات دولت و به دستور «بالا» اعمال بد انجام می‌دهند.

۱۴۷- ضمیمه‌ی د، روز اول، صفحات ۱۰ تا ۱۵

۱۴۸- ضمیمه‌ی د، روز سوم، صفحات ۵۸ تا ۶۳

۱۴۹- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، معاهده‌ی دادگاه جنایی بین‌المللی رُم (آخرین اصلاحات در سال ۲۰۱۰ انجام گرفت)، ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸. شابک: ۹۲-۹۳۲۷-۲۲۷-۶. در لینک زیر موجود است:

<http://www.unhcr.org/refworld/docid/3ae6b3a84.html>

۱۱۶- جنایت علیه بشریت، شامل تعرض جدی به حرمت و تحقیر و خفیف کردن انسان‌ها است. این جنایات از آن دسته از جنایات جدی هستند که کل جامعه بشری را متأثر می‌کنند، چرا که تمام انسانیت از طبیعت این نوع حملات علیه مردم آزار می‌بیند.<sup>۱۵۳</sup> در نتیجه، عرف حقوق بین‌الملل با بازگشت به پذیرش اعمال خاص به‌عنوان اعمال «خلاف قوانین انسانی» در اعلامیه‌ی سال ۱۸۶۸ سن پترزبورک، یعنی عهدنامه‌ی بین‌المللی که استفاده از مواد انفجاری پرتابی آتش‌زا در جنگ را ممنوع کرد<sup>۱۵۴</sup>، این اعمال را محکوم کرد و خواستار پی‌گرد مرتکبین شد.

۱۱۷- اگرچه تعریف جامعی از جنایت علیه بشریت تا قبل از ظهور معاهده‌ی رُم، که اول ژوئیه‌ی ۲۰۰۲ به اجرا درآمد، جایی مدون نشده بود، با این همه در سال ۱۹۸۰، یکی از بخش‌های اصلی عرف حقوق بین‌الملل، تعریف جنایت علیه بشریت را تدوین کرد و خواستار پی‌گرد مرتکبین شد.

.....  
۱۵۰- بنگرید به تأکید بر اصول حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده توسط منشور دادگاه نورنبرگ، G.A. Res. 95 (I)، ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶: [http://legal.un.org/avl/ha/ga\\_95-I/ga\\_95-I.html](http://legal.un.org/avl/ha/ga_95-I/ga_95-I.html)؛ گزارش دومین جلسه‌ی کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۵ ژوئن تا ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۰، اسناد رسمی جلسه‌ی پنجم مجمع عمومی، ضمیمه‌ی ۱۲ (الف/۱۳۱۶): [http://untreaty.un.org/ilc/documentation/english/a\\_cn4\\_34.pdf](http://untreaty.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_34.pdf)؛ عهدنامه‌ی پیش‌گیری و مجازات جرم نسل‌کشی، G.A. Res. 260 A (III)، تصویب و پیشنهاد شده برای امضا و الحاق در ۹ دسامبر ۱۹۴۸، در ۱۲ ژوئیه‌ی ۱۹۵۱ براساس ماده‌ی ۱۳ به اجرا درآمد: <http://www2.ohchr.org/english/law/genocide.htm>؛ کنوانسیون منع کاربرد محدودیت‌های قانونی در رابطه با جنگ و جنایت علیه بشریت، (ماده ۲۳) G.A. Res. 239، برای امضا و الحاق در ۲۶ نوامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید: <http://www2.ohchr.org/english/law/warcimes.htm>؛ اصول همکاری بین‌المللی در زمینه‌ی کشف دست‌گیری، استرداد و مجازات افراد متهم به جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت مندرج در قطعنامه‌ی ۳۰۷۴ مجمع عمومی (ماده ۲۲۸)، ۳ دسامبر ۱۹۷۳: <http://www2.ohchr.org/english/law/guilty.htm>  
۱۵۱- بنگرید به تأکید بر اصول حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده توسط منشور دادگاه نورنبرگ، G.A. Res. 95 (I)، ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶: [http://legal.un.org/avl/ha/ga\\_95-I/ga\\_95-I.html](http://legal.un.org/avl/ha/ga_95-I/ga_95-I.html)؛ گزارش دومین جلسه‌ی کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۵ ژوئن تا ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۰، اسناد رسمی جلسه‌ی ۵ مجمع عمومی، ضمیمه‌ی ۱۲ (الف/۱۳۱۶): [http://untreaty.un.org/ilc/documentation/english/a\\_cn4\\_34.pdf](http://untreaty.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_34.pdf)؛ عهدنامه‌ی پیش‌گیری و مجازات جرم نسل‌کشی، G.A. Res. 260 A (III)، تصویب و پیشنهاد شده برای امضا و الحاق در ۹ دسامبر ۱۹۴۸، در ۱۲ ژوئیه‌ی ۱۹۵۱ براساس ماده‌ی ۱۳ به اجرا درآمد: <http://www2.ohchr.org/english/law/genocide.htm>  
۱۵۲- این همچنین، شامل محکومیت رهبران نازی در دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ است. بنگرید به محاکمه‌ی جنایت‌کاران اصلی جنگی در دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ، ۱۴ نوامبر ۱۹۴۵ - ۱ اکتبر ۱۹۴۶، همچنین بنگرید به دادستان دادگاه اسرائیل و آیشن (۱۹۶۲) و قضاوت توکیو: دادگاه نظامی بین‌المللی برای خاور دور، ۲۹ آوریل ۱۹۴۶ تا ۱۲ نوامبر ۱۹۴۸  
۱۵۳- برای بحث در مورد شدت جنایت علیه بشریت، از جمله به پاراگراف اول مقدمه‌ی جنایت علیه بشریت در مؤلفه‌های جنایت، بنگرید.  
۱۵۴- بنگرید به اعلامیه در محکومیت استفاده از مواد انفجاری پرتابی آتش‌زا زیر ۴۰۰ گرم در جنگ، سن پترزبورک، ۲۹ نوامبر تا ۱۱ دسامبر ۱۸۶۸: <http://www.icrc.org/ihl.nsf/INTRO/130>

۱۱۸- قطعنامه‌های مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دهه‌ی ۱۹۷۰ بارها «اصل پذیرفته شده‌ی حقوق بین‌الملل» دایر بر این‌که هر دولتی وظیفه دارد، مرتکبین جنایات بین‌المللی را دست‌گیر، محاکمه و مجازات کند<sup>۱۵۵</sup> تأیید کرده‌اند. این قطعنامه‌ها و نیز قطعنامه‌های پیشین اهمیت توافقتنامه‌های مربوط به تبادل اطلاعات میان دولت‌ها و همکاری آن‌ها برای دست‌گیری افرادی که مظنون به ارتکاب جنایت علیه بشریت هستند<sup>۱۵۶</sup> را مورد تأکید قرار داده‌اند.

۱۱۹- تعریف جنایت علیه بشریت زمانی تکمیل شد که این مفهوم برای اولین بار طی بیانیه‌ی مورخه‌ی ۱۸۶۸ سن پترزبورگ رسمیت بین‌المللی یافت؛ بیانیه‌ی سن پترزبورگ، استفاده از مواد انفجاری پرتابی آتش‌زا را «مخالف قوانین بشری» ارزیابی و آن را محدود کرد. بیش از ۳ دهه بعد از آن، در اولین کنفرانس صلح لاهه در سال ۱۸۹۹، قوانین مربوط به درگیری‌های مسلحانه (Martens Clause) به‌عنوان جزئی از کنوانسیون دوم لاهه - قوانین و عرف جنگ روی زمین، به اتفاق آرا پذیرفته شد. کنوانسیون در بخش مربوطه مقرر می‌دارد: «تا زمانی که قوانین کامل‌تری برای جنگ تدوین شود، طرفین معاهده مناسب می‌دانند اعلام کنند، در مواردی که شامل مقررات این معاهده نمی‌شود، مردم و کسانی که بی‌طرف هستند، تحت حمایت و پوشش اصول حقوق بین‌الملل که حاصل مراودات میان ملل متمدن است، قرار دارند. قوانین مربوط به درگیری‌های مسلحانه (Martens Clause) با اندکی اصلاح، در کنوانسیون چهارم لاهه ظاهر شد - قوانین و عرف جنگ زمینی از سال ۱۹۰۷ به بعد و همچنین در تفاهم‌نامه‌های حقوقی بشردوستانه‌ی بعد از آن، از جمله در پروتکل الحاقی سال ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو، منظور شده است. تا پیش از سال ۱۹۸۰ چندین دادگاه کشوری و بین‌المللی به هنگام صدور احکام، به ماده‌ی مارتنز (Martens Clause) ارجاع دادند. با این همه به «حقوق انسانی» به‌عنوان یک حق جدید و نوظهور اشاره نکردند.<sup>۱۵۷</sup>

۱۲۰- نخستین بار در اعلامیه‌ی کشورهای فرانسه، روسیه و بریتانیا، به جنایتی اشاره شد که در تعریف جنایت علیه بشریت خوانده شده است؛ اعلامیه‌ی به‌تاریخ ۲۴ مه ۱۹۱۵ که طی آن کشتار ارمنه در ترکیه، توسط امپراطوری عثمانی محکوم شد. اعلامیه در پاسخ به گزارشی بود که هنری مورجنتو سینیور، سفیر آمریکا در امپراطوری عثمانی در رابطه با کشتار هزاران نفر از ارمنی‌ها در شهر وان و نواحی اطراف آن، منتشر کرد.

.....  
۱۵۵- به مسئله‌ی مجازات جنایت‌کاران جنگی و افرادی که مرتکب جنایت علیه بشریت شده‌اند، (ماده ۲۵) G.A. Res. 2712، ۱۴ دسامبر ۱۹۷۰ و اصول همکاری بین‌المللی در زمینه‌ی کشف، دست‌گیری، استرداد و مجازات افراد متهم به جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت مندرج در قطعنامه‌ی ۳۰۷۴ مجمع عمومی (ماده ۲۲۸)، ۳ دسامبر ۱۹۷۳ بنگرید: <http://www2.ohchr.org/english/law/guilty.htm>

۱۵۶- بنگرید به بیانیه‌ی حوزه پناهندگی، (ماده ۲۳) G.A. Res. 2312، ۱۴ دسامبر ۱۹۷۰، 22 U.N. GAOR، ضمیمه (شماره ۱۶) در 81، U.N. Doc. A/6716 (1967) : <http://www1.umn.edu/humanrts/instree/v4dta.htm>

در ماده‌ی ۱(۲) آن آمده است که «حق تقاضای پناهندگی و استفاده از پناهندگی، ممکن است شامل افرادی نشود که به صورت جدی به ارتکاب به جنایت علیه بشریت مظنونند.» نیز بنگرید به اصول همکاری بین‌المللی در زمینه‌ی کشف دست‌گیری، استرداد و مجازات افراد متهم به جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت مندرج در قطعنامه‌ی ۳۰۷۴ مجمع عمومی (ماده ۲۲۸)، ۳ دسامبر ۱۹۷۳: <http://www2.ohchr.org/english/law/guilty.htm> . در این اصول آمده است: «دولت‌ها باید برای کشف، دست‌گیری و محاکمه‌ی افرادی که مظنون به ارتکاب جنایت علیه بشریت هستند، به هم کمک کنند و چنان‌چه این افراد مقصر شناخته شدند، در مجازات آن‌ها با یک‌دیگر همکاری کنند.»

۱۵۷- برای مثال بنگرید به رأی دادگاه عالی نروژ در جریان درخواست تجدید نظر علیه کارل - هانس هرمن کلنچ در ۲۷ فوریه‌ی ۱۹۴۶؛ رأی دادگاه سوم نظامی آمریکا در نورنبرگ در ۱۰ فوریه‌ی ۱۹۴۸ در دادگاه رسیدگی به شکایت ایالات متحده علیه گروپ؛ رأی دادگاه استیناف هلند در ۱۲ ژانویه‌ی ۱۹۴۹ در جریان رسیدگی به پرونده‌ی هانس راورتر، کمیسر کل سازمان‌دهی ایمنی هلند از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵

در این بیانیه آمده بود که این کشتار «جنایت علیه بشریت و مدنیت بود و به همین خاطر کلیه اعضای دولت ترکیه و همه‌ی کسانی که در این کشتار دست داشتند، مسئول شناخته می‌شوند.»

۱۲۱- در این مورد که چه عملی جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود، کمیسیون کنفرانس صلح ورسای در سال ۱۹۱۹ به صراحت اعلام کرد که این جنایات شامل قتل و کشتار، تروریسم برنامه‌ریزی شده، کشتن گروگان‌ها، شکنجه‌ی شهروندان، گرسنگی دادن تعمدی شهروندان، تجاوز، ربودن دختران و زنان به منظور وادار کردن آن‌ها به تن فروشی، تبعید مردم غیرنظامی، نگهداری شهروندان در شرایط غیرانسانی، وادار کردن شهروندان به کار اجباری در رابطه با عملیات نظامی دشمن، اعمال مجازات دسته جمعی و بمباران عمدی اماکن بی دفاع و بیمارستان‌ها است.<sup>۱۵۸</sup>

۱۲۲- اگرچه محتوای عهدنامه‌ای که دولت ترکیه را به استرداد افرادی متعهد کرد که این جنایات را انجام دادند، هرگز به اجرا در نیامد، اما جنایت علیه بشریت بار دیگر ظاهر شد و بعد از پایان جنگ دوم جهانی به‌طور رسمی در حقوق بین‌الملل تجلی یافت. در ۸ اوت ۱۹۴۵ ایالات متحده‌ی آمریکا، بریتانیا، فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی، منشور دیوان دادرسی نظامی بین‌المللی را برای محاکمه‌ی رهبران نازی تدوین کردند.

۱۲۳- دادگاه در شهر نورنبرگ واقع در آلمان اشغالی برگزار شد و رأی خود را اول اکتبر ۱۹۴۶ صادر کرد. جنایت علیه بشریت مقوله‌ی قانونی پراهمیتی بود که به کشتار و اذیت و آزار یهودیان و دیگر شهروندان توسط رژیم نازی اطلاق شد. ماده‌ی ۶ (ث) این منشور که دادگاه‌ها اغلب از آن به‌عنوان آغاز نقطه‌ی شروع حقوق جزائی بین‌الملل معاصر، استفاده می‌کنند، جنایت علیه بشریت را چنین تعریف کرده است: «قتل، اعمال بردگی، تبعید و سایر اعمال غیرانسانی که علیه مردم غیرنظامی، پیش از جنگ یا در خلال جنگ به اجرا در آمده باشد، آزار به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی در ارتباط با هرگونه جنایتی که در حوزه‌ی اختیارات قضایی دادگاه باشد، فارغ از این‌که ناقض قوانین کشوری باشد که در آن جرم واقع شده است یا نه.»

۱۲۴- ماده‌ی ۶ (ث) با برخی تغییرات، پایه‌ی تعریف جاری حقوق بین‌الملل شد. این مفهوم حقوقی، در سال ۱۹۴۵ مفهومی انقلابی بود، زیرا بدرفتاری دولت با شهروندان خود را، بدون توجه به قوانین داخلی آن کشور، جنایت محسوب می‌کرد. این اقدامی بی‌سابقه بود.

۱۲۵- اولین رأی دادگاه نورنبرگ نشان داد که منشور دادگاه جنایی بین‌المللی، جوهر کنونی حقوق بین‌الملل است. دادگاه نورنبرگ اعلام داشت حقوق عرفی می‌تواند مبنای تعریف جنایت علیه بشریت باشد. در سال ۱۹۴۶، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اصول نورنبرگ و از جمله تعریف منشور را به عنوان بیانی از عرف حقوقی تصویب کرد. در سال ۱۹۵۰، کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز همین کار را انجام داد.<sup>۱۵۹</sup>

۱۲۶- از آن زمان به بعد عرف حقوق بین‌الملل از تعریف نورنبرگ فراتر رفت و لزوم وجود ارتباط میان جنایت علیه بشریت و درگیری‌های مسلحانه را حذف کرد، اما در سایر موارد تغییری ایجاد نکرد.

۱۵۸- مارگارت مک میلن: صلح‌آوران: کنفرانس صلح پاریس در سال ۱۹۱۹ و اقدامات آن برای خاتمه‌ی جنگ (۲۰۰۲)، همچنین، تحت عنوان: پاریس ۱۹۱۹: شش ماهی که جهان را تغییر داد (۲۰۰۳) منتشر شده است.

۱۵۹- برای آگاهی از پیشینه‌ی این اقدامات، به‌عنوان نمونه بنگرید به <http://untreaty.ua.org/cod/avl/ha/da>

۱۲۷- پس از محاکمه‌های نورنبرگ وظیفه‌ی رسیدگی به جنایات علیه بشریت به عهده‌ی دادگاه‌های کشوری گذاشته شد. در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۰، دادگاه‌های کشوری افرادی را در رابطه با جنایت علیه بشریت محاکمه کردند که از آن جمله می‌توان به آدولف آیشمن اشاره کرد، که به سال ۱۹۶۲ در اسرائیل محکوم شد. در سال ۱۹۸۸ و حوالی آن، سالی که گفته می‌شود بسیاری از جنایاتی که برای رسیدگی به این دادگاه ارجاع شد، اتفاق افتاده است، محاکمه‌ی افراد دیگری به اتهام جنایت علیه بشریت در دست انجام یا در شرف وقوع بود، از جمله، می‌توان به کلاوس باربی که در سال ۱۹۸۸ در فرانسه محکوم شد، پل کوویر که در سال ۱۹۷۳ مورد اتهام قرار گرفت و در سال ۱۹۹۴ در فرانسه محکوم شد و ایمره فینتا که در سال ۱۹۸۸ مورد اتهام قرار گرفت و در سال ۱۹۹۴ در کانادا محکوم شد، اشاره کرد.

۱۲۸- در محاکمه‌ی آیشمن، دادگاه اسرائیل، آیشمن را به ارتکاب جنایت علیه بشریت محکوم کرد. در تعریف این‌گونه جنایات علیه بشریت، دادگاه از منشور نورنبرگ و سایر قوانین بهره گرفت. دادگاه بر این نکته تأکید کرد که جنایت علیه بشریت، «امروز باید به اعمالی اطلاق شوند که عرف حقوق بین‌الملل توسل به آن‌ها را ممنوع دانسته است. اعمالی که سرشت جنایی «جهانی» دارد و ارتکاب آن‌ها منجر به مسئولیت جنایی فردی می‌شود.»<sup>۱۶۰</sup>

۱۲۹- بعد از جنگ دوم جهانی، جامعه‌ی جهانی همچنان به انعقاد معاهده‌ها و قطعنامه‌هایی ادامه داد که بر مجازات کسانی تأکید می‌کنند که علیه بشریت مرتکب جنایت شده‌اند؛ فارغ از این‌که این جنایت در زمان جنگ یا صلح اتفاق افتاده باشند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ معاهده‌ی منع کاربرد محدودیت‌های قانونی نسبت به جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت را تصویب کرد و جهت تأیید در اختیار اعضای سازمان ملل متحد قرار داد. مطابق این معاهده، جنایت علیه بشریت «در حقوق بین‌الملل از وخیم‌ترین جنایات است.»

۱۳۰- نسل‌کشی و تبعیض نژادی در معاهده‌هایی که به طور وسیع منعقد شد، به‌عنوان جنایت علیه بشریت طبقه بندی شدند. این معاهده‌ها نشان دادند که فهرست اعمالی که در منشور نورنبرگ درج شده است، جامع نیست.<sup>۱۶۱</sup>

۱۳۱- در واقع تعاریف جنایت علیه بشریت از سال ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۸۰ از تفاوت‌های اندکی برخوردارند که در اعتبار آن‌ها تأثیری ندارد. جنایت علیه بشریت در اساس شامل تعرض جدی به منزلت انسانی و توهین و تحقیر شدید انسان است. این جنایات در نقض ارزش‌هایی صورت می‌گیرند که برای همه‌ی انسان‌ها شناخته شده است.

۱۶۰- جهت ملاحظه‌ی متن کامل محاکمه‌ی آیشمن رجوع کنید به:

<http://www.nizkor.org/hweb/people/e/oichman-adolf/transcripts/>

۱۶۱- معاهده‌ی منع و مجازات جرم نسل‌کشی، ۹ دسامبر ۱۹۴۸ تصویب شد و برای تأیید در اختیار اعضای سازمان ملل متحد قرار گرفت؛ معاهده‌ی بین‌المللی منع و مجازات جرائم تبعیض نژادی، ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ تصویب شد و برای تأیید در اختیار اعضای سازمان ملل قرار گرفت.

۱۳۲- با وجود این که این دادگاه به مسئولیت دولت رسیدگی می کند نه افراد؛ و با وجود این که مسئولیت فردی به صورت مستقیم به کار دادگاه ارتباط ندارد، شایان توجه است که در جریان محاکمه‌ی تادیب در دادگاه جنایی بین المللی برای یوگسلاوی سابق، دادگاه بر اهمیت تصمیم نورنبرگ در مورد تأیید عرف حقوق بین الملل، به عنوان بنیان مسئولیت جنایت فردی تأکید کرد و نتیجه گرفت که مجازات تحت این قانون الزامی است. مطابق این روی کرد، از زمان منشور لندن مصوب سال ۱۹۴۳، عرف حقوقی منع جنایت علیه بشریت و ارتباط آن با مسئولیت فردی در چنین جنایتی، به طور جدی مورد سؤال قرار نگرفته است.»<sup>۱۶۲</sup>

۱۳۳- در مجموع، این سوابق به روشنی تأیید می کنند که جنایت علیه بشریت به عنوان موردی از عرف حقوق بین الملل، در زمان وقوع جنایاتی که به فاصله سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ انجام گرفت و تحقیق در مورد آن ها به این دادگاه محول شده است، در حقوق بین الملل وجود داشته است.

بنابراین، دادگاه قانون حاکم را به عنوان عرف حقوق بین الملل، به نحوی که در دهه‌ی ۱۳۶۰ وجود داشت و بعدها در ماده‌ی ۷ معاهده‌ی رُم به عنوان جنایت علیه بشریت مدون و در آن تلفیق شد، مبنای کار خود قرار می دهد.

۱۳۴- در این دادرسی، اتهام ارتکاب جنایت علیه بشریت علیه یک دولت مطرح شده است. این دولت جمهوری اسلامی ایران است. مفاد کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت دولت ها در اعمال خلاف بین المللی، رهنمود روشنی عرضه می کند. بنا بر مفاد کمیسیون حقوق بین الملل، عمل بین المللی یک دولت هنگامی در تقابل با مفاد کمیسیون حقوق بین الملل قرار می گیرد که حاوی یک عمل یا ترک عمل باشد؛ یعنی:

الف - طبق حقوق بین الملل منتسب به دولت باشد، و  
ب - حاکی از نقض تعهدات بین المللی دولت باشد.<sup>۱۶۳</sup>

دادگاه بر این نظر است که شواهد عرضه شده در این دادرسی نشان می دهد که مأموران جمهوری اسلامی ایران از بالاترین مرجع رهبری تا مأموران اعدام در زندان ها، مرتکب این جنایات شده اند و به این ترتیب حقوق بین الملل را نقض کرده اند.

۱۳۵- اگرچه معاهده‌ی دادگاه جنایی بین المللی رُم تنها به مسئولیت کیفری افراد در رابطه با جرائم سنگین بین المللی می پردازد، اما این دادگاه، این معاهده را که آخرین توافقنامه‌ی بین المللی است، مبنای تعریف مدون عرف حقوق بین الملل از جنایت علیه بشریت می شناسد.

۱۳۶- تا کنون، دولت های ۱۲۱ کشور، معاهده‌ی رُم را امضا کرده اند. ۳۲ کشور نیز آن را امضا کرده اند، اما هنوز به تصویب نرسانده اند. یکی از آن ها، جمهوری ساحل عاج، صلاحیت دادگاه جنایی بین المللی را پذیرفته است.

۱۳۷- دادگاه اعتقاد دارد که ماده‌ی ۷ معاهده‌ی رُم، بازتاب عرف حقوق بین الملل در کلیه‌ی جنبه های مربوط به این دادرسی است. اگرچه جمهوری اسلامی ایران هنوز معاهده‌ی رُم را نپذیرفته است، اما این مقررات از طریق عرف حقوق بین الملل قابل اجرا است؛ فارغ از این که ایران این معاهده را به امضا رسانده باشد یا نه. دادگاه، عناصر جنایات مندرج در معاهده رُم برای تعیین مسئولیت کیفری و کلیه‌ی عناصر مندرج در ماده‌ی ۷ معاهده‌ی رُم را، غیر از آن هایی که مربوط به مسئولیت کیفری

فردی هستند، در قضاوت خود در نظر می‌گیرد. معاهده همچنین حاوی تحولات پیش‌رفته‌ی حقوق بین‌الملل، به‌ویژه در مورد اشکال خاص خشونت‌های جنسی به غیر از تجاوز به عنف است. بنابراین، دادگاه تأکید می‌کند که ضوابط و تعاریف حقوقی معاهده‌ی رُم در این دادرسی کارکرد دارد.

۱۳۸- با توجه به اهداف کنونی این دادرسی، دادگاه تنها روی عناصر اصلی جنایت علیه بشریت تأکید می‌کند. نخست، جنایت علیه بشریت، همان‌گونه که در پاراگراف ۱ ماده‌ی ۷ معاهده‌ی دادگاه آمده است، مستلزم ارتکاب جدی نقض حقوق بشر از قبیل قتل، شکنجه، تجاوز به عنف و حبس غیرقانونی است.

۱۳۹- دوم، باید اثبات شود که این جنایات به صورت اتفاقی و مجزا انجام نگرفته، بلکه گسترده و برنامه‌ریزی شده بوده‌اند. به عبارت دیگر، دادستان وظیفه‌ی اثبات موارد متعدد و جدی نقض حقوق بشر را که در اثر یا برای پیش‌برد سیاست‌های دولت انجام گرفته است، به عهده دارد.

۱۴۰- اگرچه معاهده تعریفی از «سیاست دولتی یا سازمانی» ارائه نمی‌دهد، اما «عناصر جنایات» موردی را روشن می‌کند و به این صورت توضیح می‌دهد: «بدیهی است که سیاست به اجرا در آمدن چنین تعرضاتی»، مستلزم آن است که دولت یا سازمان دولتی فعالانه چنین تعرضاتی را علیه مردم را ترغیب و تشویق کنند.

۱۴۱- در مورد عنصر اول، نقض جدی حقوق بشر طبق پاراگراف ۱ (الف) ماده‌ی ۷، شامل ارتکاب قتل، از جمله اعدام‌های خودسرانه و همچنین مرگ ناشی از شکنجه یا سایر رفتارهای خشونت‌آمیز است که مرگ ناشی از آن‌ها قابل پیش‌بینی است.

۱۴۲- پاراگراف ۱ (ف)، شامل شکنجه است و چنین تعریف شده است: «ایراد عمدی درد و رنج شدید جسمی یا روانی، بر فردی که در بازداشت یا تحت اختیار متهم است.»

۱۴۳- پاراگراف ۱ (ج)، شامل تجاوز به عنف یا هر یک از اشکال دیگر تعرض جنسی که هموزن تجاوز به عنف باشد.

۱۴۴- در پاراگراف ۱ (ی) ماده‌ی ۷ آمده است: «حبس و اعمال محرومیت جدی از آزادی جسمی، نقض مقررات اصول حقوق بین‌الملل»، شامل زندانی کردن بدون محاکمه‌ی عادلانه بر پایه‌ی اعتقادات سیاسی و مذهبی است.

۱۴۵- شایان ذکر است که پاراگراف ۱ (ه)، به جرم «تعقیب و آزار» علیه «گروه یا جمع مشخص بر اساس اعتقادات سیاسی یا مذهبی» اشاره می‌کند. بنابراین علاوه بر این که نسبت به وقوع نقض جدی و گسترده‌ی حقوق بشر مسئولیت وجود دارد، نسبت به ارتکاب تخلفی که به دلایل تبعیض‌آمیز انجام گرفته است، مسئولیت مضاعف مطرح است. به علاوه بند (ج) پاراگراف (۲) ماده‌ی ۷ معاهده‌ی دادگاه تأکید می‌کند که «تعقیب و آزار» به معنای «اعمال محرومیت عمدی و شدید حقوق اساسی مغایر با حقوق بین‌الملل، به دلیل برخورداری از هویت گروهی یا جمعی»، است.

۱۴۶- زمانی که شهروندان ایرانی به خاطر اعتقادات سیاسی و مذهبی‌شان، زندانی شدند، مورد بدرفتاری قرار گرفتند یا اعدام شدند، در عمل جرم «تعقیب و آزار» رخ داد. بنا بر شواهد و مدارکی که هیئت دادستانی به دادگاه عرضه کرده، چنین جرمی در مورد زندانیان سیاسی، به‌ویژه آن‌ها که به

گروه‌های چپ‌گرا تعلق داشتند، اجرا شده است. به‌علاوه، زندانیان سیاسی نظیر گُردها<sup>۱۶۴</sup> و عرب‌ها<sup>۱۶۵</sup> که اغلب به دلایل قومی یا مذهبی تحت تعقیب قرار می‌گرفتند، و بهاییان که به عضویت در یک گروه مذهبی «مرتد» یا «فرقه‌ی ضاله» متهم می‌شدند، هدف «تعقیب و آزار» بودند.

۱۶۷- با توجه به این‌گونه اعمال، باید توجه داشت که قوانین داخلی کشورها نمی‌تواند توجیه‌کننده و مدافع جنایت علیه بشریت باشد. پس در وضعیتی که اعدام‌های خودسرانه و رفتارهای تبعیض‌آمیز منجر به جرم تعقیب و آزار می‌شوند، فارغ از این‌که مطابق قوانین جمهوری اسلامی مجاز باشند یا نه، عاملان چنین جنایاتی از مسئولیتی که در قبال قوانین حقوقی بین‌المللی دارند، مبرا نمی‌شوند.

۱۶۸- در یک کلام، این‌گونه نقض حقوق بشر از جمله مواردی است که باعث جنایت علیه بشریت می‌شود. با وجود این، چنین تخلفی به به تنهایی برای این‌که عنصری از این جنایت عظیم بین‌المللی به شمار آید، کافی نیست.

۱۶۹- دوم، و شاید مهم‌ترین عنصر، زمینه‌ای است که این جنایات در متن آن اتفاق افتاده است. همین زمینه است که نقض عادی حقوق بشر را به مقیاس و شدت جنایت علیه بشریت ارتقا می‌دهد. روشن است که نمی‌توان هر مورد از نقض حقوق بشر را یک جنایت بین‌المللی محسوب کرد؛ چه رسد به این‌که، آن را خطایی فاحش در چهارچوب جنایت علیه بشریت بدانیم.

۱۵۰- دادگاه بار دیگر به ماده‌ی ۷ (۱) معاهده‌ی رُم اشاره می‌کند که به صراحت تأکید دارد که تعدی‌هایی از قبیل قتل و شکنجه، تنها زمانی جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند که «به‌عنوان جزئی از یک تعرض گسترده و برنامه‌ریزی شده علیه گروه‌های مختلف اجتماعی به اجرا درآمده باشند.» به‌علاوه بند (آ) پاراگراف (۲) به صراحت اعلام می‌کند، چنین وضعیتی مستلزم «یک رشته رفتار است؛ ناظر بر مجموعه‌ای از تعرض‌هایی که علیه گروه‌های مختلف اجتماعی، در جهت یا برای پیش‌برد سیاست‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی به اجرا در آمده باشد.»

۱۵۱- بعضی استدلال کرده‌اند که معاهده‌ی رُم ممکن است تا جایی که به نیاز سیاست‌های دولت مربوط می‌شود، از عرف حقوق بین‌الملل که مستلزم خط مشی رسمی دولت نیست، بسته‌تر و محدود کننده‌تر باشد.

۱۶۲- نظریه و حکم مربوط به ادعای دادستان علیه تادیچ دوسویو، پرونده‌ی شماره ، ICT, I, T-94-1-VIT-94-1-1997 مه ۱۹۹۷  
۱۶۳- کمیسیون حقوق بین‌الملل، پیش‌نویس مفاد مسئولیت دولت‌ها در رابطه با اعمال خلاف بین‌المللی آن‌ها، نوامبر ۲۰۰۱. سند الحاقی شماره chp.IV.E.1, 10 (A/56/10)، در لینک زیر موجود است:

<http://www.unhcr.org/refworld/docid/3ddb8f804.html>

۱۶۴- ضمیمه‌ی ب، صفحات ۲۷ تا ۳۰- ضمیمه‌ی د، روز اول، صفحات ۴۸ تا ۶۱ ملکه مصطفی سلطانی. همچنین بنگرید به ضمیمه‌ی الف، صفحات ۵، ۶، ۸، ۱۲، ۲۲، ۲۶، ۲۷ و ۷۲  
۱۶۵- ضمیمه‌ی ب، صفحات ۴۶ تا ۴۸ - ضمیمه‌ی د، روز دوم صفحات ۱۴ تا ۲۰ جلیل شرفانی  
۱۶۶- ضمیمه‌ی د، روز دوم، روحیه جهانپور



۱۵۲- علاوه بر این، برخلاف اتهام‌های مربوط به جنایات جنگی، الزامی نیست که جنایت علیه بشریت با جنگ تحت عرف حقوق بین‌الملل در دوره‌ی زمانی دهه‌ی ۱۳۶۰ پیوند داشته باشد. بنابراین، این دادگاه مقرر می‌دارد که چنین جنایاتی فارغ از این‌که با جنگ ایران و عراق ارتباط داشته است یا نه، جنایت علیه بشریت است. دادگاه جنایی بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات جنگی در یوگسلاوی سابق، در تصمیم اتخاذ شده در مورد درخواست پژوهش تادیب نسبت به صلاحیت قضایی مندرج در پاراگراف ۱۴۱ مقرر می‌دارد که: «تا کنون این موضوع که جنایت علیه بشریت مستلزم ارتباط با درگیری‌های نظامی بین‌المللی نیست، در عرف حقوق بین‌الملل اصل و قاعده است. در واقع، عرف حقوق بین‌الملل ممکن است میان جنایت علیه بشریت و هرگونه درگیری نظامی هیچ نوع ارتباطی نبیند.»<sup>۱۶۷</sup> ضمن این‌که در تصمیم مربوط به تادیب، اعلام این‌که جنایت علیه بشریت لازم نیست با جنگ مربوط باشد، اعلام همان روش قبلی در عرف حقوق بین‌الملل است.

۱۵۳- به علاوه، کسانی که زندانی هستند، به‌ویژه کسانی که به دلایل سیاسی یا عقیدتی زندانی هستند، طبق حقوق بین‌الملل در رابطه با جنایت علیه بشریت، افراد غیرنظامی محسوب می‌شوند. به این دلیل، دادگاه اعلام می‌دارد که مسئله‌ی جنگ به دادرسی کنونی ارتباط ندارد.

۱۵۴- با توجه به این دو مورد، شواهد مندرج در گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب و شهادت ۱۹ شاهدان در دادرسی‌های لاهه، دادگاه بر این نظر است که موارد جدی نقض حقوق بشر، همچون اعدام‌های خودسرانه، شکنجه، تجاوز به عنف و حبس بدون دلیل رخ داده است. این خشونت‌ها به دلایل سیاسی و مذهبی انجام گرفته است؛ گسترده، برنامه‌ریزی شده، متعدد بوده است؛ و در جهت سیاست‌های جمهوری اسلامی یا به خاطر پیش‌برد این سیاست‌ها صورت گرفته است.

### مسئولیت دولت

۱۵۵- دعوی طرح شده در این دادگاه به نقض اساسی حقوق بشر و حقوق شهروندان ایرانی توسط جمهوری اسلامی ایران و ارتکاب جنایت علیه بشریت توسط جمهوری اسلامی، رجوع می‌کند.

۱۵۶- دادگاه آگاهی دارد که جنایت علیه بشریت به‌عنوان مقوله‌ای از قوانین حقوق بین‌الملل «توسط انسان‌ها و نه موجودات انتزاعی صورت می‌گیرد و تنها از طریق مجازات افرادی که مرتکب چنین جنایاتی می‌شوند، مفاد حقوق بین‌الملل به اجرا در می‌آید.»<sup>۱۶۸</sup>

۱۵۷- جمهوری اسلامی ایران نه تنها می‌باید از ارتکاب جنایات مطرح شده در این دادرسی جلوگیری می‌کرد، که می‌باید عاملان این جنایات را تسلیم عدالت می‌کرد و چنان تدابیر و اقدامات ایمنی‌ای اتخاذ می‌کرد که چنین جنایاتی در آینده اتفاق نیفتد.

۱۵۸- قطعنامه‌ی شماره‌ی ۳۰۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل تحت عنوان «اصول همکاری بین‌المللی در بازداشت، دست‌گیری، استرداد و تنبیه مجرمین به جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت»، در پاراگراف ۱، از جمله، اعلام می‌دارد «می‌باید در مورد جنایات علیه بشریت، در هر جایی که اتفاق افتاده باشد، تحقیق شود و اگر علیه فردی دلایل لازم موجود است، آن فرد می‌باید تعقیب، دست‌گیر، محاکمه و در صورت محکومیت مجازات شود.» پاراگراف ۲ اعلام می‌دارد «هر دولتی حق دارد، شهروندان خود را به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه کند.» اصول مندرج در قطعنامه‌های ۲۳۳۸، ۲۵۸۳، و ۲۸۴۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر تعهد دولت‌ها در محاکمه و استرداد متهمان به جنایت علیه بشریت تاکید می‌ورزند.<sup>۱۶۹</sup>

۱۵۹- نظریه‌ی عمومی شماره‌ی ۳۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (آی سی سی پی آر) که ایران یکی از امضا کنندگان بدون قید و شرط آن است، تأیید می‌کند، زمانی که حقوق تضمین شده‌ی مندرج در ماده‌ی ۱ این معاهده «به عنوان بخشی از یک نقض گسترده و طرح‌ریزی شده، دست‌خوش تعرض شود، نقض میثاقی صورت گرفته است که در حکم جنایت علیه بشریت است.»<sup>۱۷۰</sup> ماده‌ی ۲ از دولت‌ها می‌خواهد «قوانین و تدابیر دیگری را که ممکن است ضروری باشند» در جهت تحقق حقوقی که در میثاق به رسمیت شناخته شده است، اتخاذ کنند. نظریه‌ی عمومی شماره‌ی ۳۱ همچنین می‌افزاید «الزامات مقرر در پاراگراف ۲، ماده‌ی ۲ به شرایط منوط نیستند و قدرت اجرایی فوری دارند.» ماده‌ی مذکور «جهت برقراری و اجرای مسئولیت‌های عمومی در راستای انجام تحقیقات فوری، کامل و مؤثر در مورد ادعاهای مطرح شده، لزوم یک مکانیسم اداری و اجرایی را مقرر می‌دارد.» کوتاهی دولت در تحقیقات در مورد تجاوزهای ادعایی خود می‌تواند به نقض جداگانه‌ی میثاق منجر شود.<sup>۱۷۱</sup>

۱۶۰- همچنین، در تصمیم اتخاذ شده در دعوی آلموناسید آرلانو و دیگران علیه شیلی (دیوان داوری بین کشورهای قاره‌ی آمریکا)،<sup>۱۷۱</sup> دادگاه روی نظریه‌ی دادستانی در مورد مسئولیت تأکید می‌کند و اعلام می‌دارد که «تحقیقات کامل در مورد ... جنایت علیه بشریت و همچنین مجازات کسانی که مسئول این جنایات هستند ... عنصری مهم در جلوگیری از ارتکاب چنین جنایاتی است.»<sup>۱۷۳</sup>

۱۶۱- همچنین، تفسیر ماده‌ی (۱) ۱۵ تأیید می‌کند که پی‌گیری جنایت علیه بشریت که در دهه‌های گذشته، در زمان رژیم‌های قبلی، انجام گرفته است، مانع تعقیب و اقدامات حقوقی نمی‌شود. قضات جلسه دادرسی فوق‌العاده دادگاه کامبوج، هنگام رسیدگی به جنایت علیه بشریت که خمرهای سرخ در دهه ۱۹۷۰ مرتکب شدند، ماده‌ی ۱۵ (۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (آی سی سی پی آر) را در رسیدگی به دعاوی‌ای که مشمول مرور زمان شده‌اند، تأیید کرد. در سال ۲۰۱۰، در دعوی دادستانی علیه کاینگ، دادگاه کامبوج مقرر داشت که «رعایت اصول قانونی مستلزم این است که جرمی که یک فرد به آن متهم شده است به میزان کافی قابل پیش‌بینی و قوانین ناظر بر چنین جرمی در زمان مربوطه تا حد لازم در دسترس متهم بوده باشد. طرز رفتار و عمل یک دولت در تحمل یا تشویق اعمالی خاص، مانع از این نمی‌شود کسانی که جرم کرده‌اند و اعمال آنها طبق حقوق داخلی یا بین‌المللی جنایت محسوب می‌شود، محاکمه و مجازات نشوند.»<sup>۱۷۴</sup>

۱۶۷- تصمیم در مورد لایحه‌ی دفاعی برای پژوهش مقدماتی نسبت به صلاحیت قضایی دادگاه. دادستان علیه دوسکو تادیچ، پرونده‌ی شماره‌ی IT-94-1-AR72, ICTY دادگاه استیناف، ۲۰ اکتبر ۱۹۹۵

۱۶۸- حکم دادگاه نظامی بین‌المللی، دادگاه جنایتکاران اصلی جنگی، ۱۹۴۷، اسناد رسمی جلد ۱، صفحه ۲۲۳

۱۶۹- شریف باسیون: پاسخ‌گویی برای نقض حقوق بین‌الملل و نقض‌های جدی دیگر حقوق بشر، صفحه‌ی ۳۹۱

۱۷۰- نظریه‌ی عمومی شماره (۸۰) ۳۱. «طبیعت الزامات قانونی مستولی بر دولت‌های عضو معاهده» ۲۶ ماه می ۲۰۰۴ پاراگراف‌های ۱۵ و ۱۸

۱۷۱- پاراگراف‌های ۱۴ و ۱۵

۱۷۲- آلموناسید آرلانو- دعوی علیه شیلی، حکم ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۶

۱۷۳- آلموناسید آرلانو، پاراگراف ۱۰۶

۱۷۴- دعوی دادستانی علیه کاینگ، گوئک ائو الیاس دوچ، حکم، ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۲، پرونده‌ی شماره‌ی ۲۰۰۷-۰۷-۰۰۱/۱۸ ئی سی سی تی/سی، پاراگراف ۲۸

۱۶۲- دیوان دادگستری بین‌المللی، هنگام ارجاع به معاهده‌ی منع و مجازات جنایت نسل‌کشی در شکایت بوسنی هرزگوین از صربستان و مونتنگرو،<sup>۱۷</sup> با معضل مشابهی مواجه شد که با دعوی حاضر ارتباط زیادی دارد.

۱۶۳- دیوان، در حکم معروف مورخه‌ی ۲۶ فوریه‌ی ۲۰۰۷، با این پرسش مواجه بود که آیا دولت‌های عضو معاهده، خود می‌توانند به ارتکاب جنایت نسل‌کشی محکوم شوند.<sup>۱۷۶</sup> دیوان دادگستری بین‌المللی، ضمن این‌که اعلام کرد، چنین تعهدی به صراحت در معاهده تصریح نشده است، اظهار داشت: «این تعهد ایجاب می‌کند که دولت‌های عضو، از وسایلی که در اختیار دارند برای جلوگیری از ارتکاب جنایت نسل‌کشی و هر نوع جنایت دیگری که در ماده‌ی ۳ تصریح شده است، توسط افراد یا گروه‌هایی که به صورت مستقیم تحت اقتدار آن‌ها نیستند، استفاده کنند. حال اگر دولت‌ها متعهد هستند که در چهارچوب قدرتشان مانع نسل‌کشی توسط افراد یا گروه‌هایی شوند که تحت تسلط آن‌ها نیستند، چگونه می‌توان این تناقض را پذیرفت که همین دولت‌ها از ارتکاب همین اعمال توسط نهادها و افرادی که روی آن‌ها نفوذ و کنترل کامل دارند، و اعمالشان طبق حقوق بین‌الملل به این دولت‌ها مربوط می‌شود، جلوگیری نکنند. کوتاه سخن این‌که تعهد جلوگیری از نسل‌کشی، شامل ممنوعیت ارتکاب نسل‌کشی است.»

۱۶۴- با نگاه به جمله‌ی معروف قاضی جکسون در حکم نورنبرگ که «جنایت علیه حقوق بین‌الملل توسط افراد انجام می‌گیرد نه موجودات انتزاعی...» (حکم دادگاه نظامی بین‌المللی، محاکمه‌ی جنایتکاران عمده‌ی جنگی، ۱۹۴۷، اسناد رسمی جلد ۱، صفحه ۲۲۳)، که استدلال می‌کند که تنها افراد قادر به نقض الزامات مندرج در ماده‌ی ۳ هستند، دادگاه اظهار می‌دارد که دادگاه نظامی بین‌المللی اظهار نظر قاضی جکسون را به دلایل زیر مردود دانسته است:

«حقوق بین‌الملل که از دیرباز به رسمیت شناخته شده است، وظایف و مسئولیت‌ها را متوجه افراد و نیز دولت‌ها می‌داند.» (صفحه ۲۲۳)

در حالی‌که این دادگاه می‌پذیرد، تصمیم دیوان دادگستری بین‌المللی مربوط به یک معاهده‌ی خاص و دولت‌های عضو آن است، با این حال، از نظرگاهی جامع‌تر، دیوان مسئولیت دولت‌ها را در مورد جرائم مندرج در حقوق بین‌الملل پذیرفته است؛ آن‌جا که دولت‌ها به جلوگیری از ارتکاب آن جرائم توسط افرادی که در حوزه‌ی اقتدار و کنترل آن‌ها هستند، تعهد دارند.

۱۶۵- در دادرسی جاری، کنترل جمهوری اسلامی ایران بر مأموران، دادستان‌ها، قضات، مسئولان زندان، بازجویان، و سایر افراد وابسته به آن که در اجرای این جنایات دخالت داشته‌اند، انکار ناپذیر است. بنابراین دادگاه بر این عقیده است که طبق حقوق بین‌الملل، می‌توان جمهوری اسلامی ایران را مسئول جنایت علیه بشریت دانست که به دستور مقامات حکومت و در چارچوب نهادها و زندان‌های حکومت انجام گرفته است.

.....  
<http://www.icj.cij.org/docket/files/01/13685.pdf> - ۱۷۵

۱۷۶- همان‌جا، پاراگراف ۱۶۶

## فصل پنجم

### دلایل حکم:

۱۶۶- این حکم بر مبنای مجموعه‌ی محکمی از مدارک، شامل گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب و شهادت شاهدانی که به این دادگاه در لاهه ارائه شده، بنیان گذاشته شده است.

۱۶۷- اگرچه دادگاه (همان‌گونه که در پاراگراف ۱۹ این حکم آمده است)، غیبت جمهوری اسلامی ایران در این دادرسی را مورد توجه قرار می‌دهد، اما شهادت صادقانه، قابل اعتماد و غیرقابل تردید نزدیک به صد شاهد که یکدیگر را تأیید می‌کنند، همخوانی اسناد یا شواهدی که به این دادگاه تسلیم شدند، و نیز اظهارات مسئولان جمهوری اسلامی (از جمله اظهارات آیت‌الله منتظری)، برای دادگاه جای تردید باقی نمی‌گذارد که حتماً اگر جمهوری اسلامی ایران در این دادرسی شرکت می‌کرد، دلایل و شواهد محکمی که به این دادرسی ارائه شد، جای مجادله یا دفاع نداشت.

۱۶۸- دادگاه، بر این نظر است که هیئت دادستانی توانست با تکیه بر شواهد و اسنادی که ارائه داد، ثابت کند، همه‌ی جنایاتی که در ماده‌ی ۷ این حکم آمده است، توسط جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر انجام گرفته است:

۱- نیما سروسستانی، در فیلم مستندی که در دادگاه به نمایش گذاشت، گورهای زندانیان اعدام شده را که آن‌قدر زیاد بودند که به چشم دیده نمی‌شدند، نشان داد. گورکن گورستان شیراز در این فیلم به ۶۰ جسد که در یک مرحله به او تحویل داده بودند، اشاره می‌کند که سن آن‌ها از ۲۰ سال تجاوز نمی‌کرده است. افراد را ساعت ده صبح دست‌گیر و یک ساعت بعد در ساعت ۱۱ همان روز اعدام کرده بودند. همه‌ی خانواده‌ها را از بین برده بودند. همه‌ی بندهای زندان از زندانی خالی شده بودند. زندانیان را به صورت گروهی در مقابل جوخه‌ی آتش قرار می‌دادند و به گلوله می‌بستند. آن‌هایی را که هنوز نفس می‌کشیدند با تیر خلاص می‌کشتند. کودکان زندانی را مجبور می‌کردند تیرهای خلاص را بزنند. کامیون‌های پر از جسد را در گورهای دسته جمعی خالی می‌کردند. کودکان را اعدام می‌کردند. در هیچ موردی اعدام‌ها در جریان یک دادرسی و بر مبنای الزامات حقوقی صادر نشد. در سال ۱۳۶۷ در پی فتوایی که توسط خمینی صادر شد، بیش از ۴۰۰۰ زندانی سیاسی به فاصله‌ی چند ماه (اغلب از طریق چوبه‌ی دار) به قتل رسیدند.

۲- شکنجه: شکنجه در همه‌ی زندان‌های ایران اعمال می‌شد. هیچ شاهده‌ی نبود که در زندان شکنجه‌ی جسمی و روانی نشده باشد. زندانیان را از بازوان به سقف آویزان می‌کردند، بر کف پاهایشان شلاق می‌زدند و از خواب محروم‌شان می‌کردند. زندانیان را در سلول‌های انفرادی نگه می‌داشتند، اعدام مصنوعی می‌کردند و مجبورشان می‌کردند ناظر شکنجه‌ی سایر زندانیان باشند؛ یا آن‌ها را در حضور فرزندان‌شان شکنجه می‌کردند.

۳- آزار و اذیت: کردها، عرب‌ها، بهایی‌ها و وابستگان به گروه‌های سیاسی، هدف انواع آزارها بودند. بهاییان از حمایت قانون برخوردار نبودند. قانون اساسی به‌عمد آن‌ها را از طبقه‌بندی اقلیت‌های ایران حذف کرده بود و این یعنی این‌که که می‌توان آن‌ها را بدون ترس از مجازات کُشت. اماکن مقدس آن‌ها از جمله خانه‌ی مسکونی باب ویران شد. مسکن‌های آن‌ها را به آتش کشیدند. گورستان‌های آن‌ها تخریب شد. رهبران آن‌ها را بی‌وقفه از بین بردند. به آن‌ها اجازه ندادند مناسک مذهبی خود را به‌جا آورند. از کار اخراج‌شان کردند. آن‌ها را به زور وادار می‌کردند مسلمان شوند و از همسران خود

طلاق بگیرند و با پاسداران ازدواج کنند. به جرم بهایی بودن زندانی می‌شدند. تهدیدشان می‌کردند که یکی پس از دیگری نابود خواهند شد. کردها و عرب‌های ایرانی مرتب مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. بسیاری از آن‌ها شکنجه و اعدام شدند، مخالفان را با سرکوب بی‌رحمانه، شکنجه، بازداشت‌های غیرقانونی و در نهایت اعدام قلع و قمع کردند.

۴- سوءاستفاده‌ی جنسی از زندانیان و سایر رفتارهای غیرانسانی: از زنان و مردان در زندان، سوء- استفاده‌های جنسی وسیع و به‌تکرار انجام می‌گرفت. به زنان زندانی پیش از اعدام تجاوز می‌کردند. آن‌ها را مجبور می‌کردند با بازجویان و پاسداران ازدواج کنند. به زنان زندانی تجاوز می‌کردند یا آن‌ها را مورد سوءاستفاده‌ی جنسی قرار می‌دادند تا مقاومت آن‌ها را در هم بشکنند و از آن‌ها اعتراف بگیرند.

۵- رفتار تحقیرآمیز و غیرانسانی: بازداشت‌شدگان را بدون آن‌که محاکمه شوند، مدت‌های طولانی در اسارت نگاه می‌داشتند. زندانیان را به جرائم سیاسی مبهم در دادگاه‌هایی که چند دقیقه بیش‌تر طول نمی‌کشید، محکوم می‌کردند. زندانیان را با چشم‌بند به دادگاه می‌بردند و در دادرسی به آن‌ها توهین می‌کردند و آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. به زندانیان هرگز اجازه‌ی دسترسی به مشاور حقوقی یا وکیل نمی‌دادند. بیش از ظرفیت سلول‌های زندان در آن‌ها زندانی نگه‌داری می‌کردند. کمک‌های پزشکی در اختیار زندانیان قرار نمی‌دادند. آن‌ها را مجبور می‌کردند در جلسات مذهبی شرکت کنند. زندانیان را در صحنه‌های ساختگی اعدام قرار می‌دادند. با بستگان زندانیان اعدام شده با خشونت رفتار می‌کردند. آن‌ها را مجبور می‌کردند پول گلوله‌هایی را بپردازند که با آن‌ها عزیزانشان را تیرباران کرده بودند. هنگام برگزاری مراسم عزاداری به آن‌ها حمله می‌کردند. سنگ قبر اعدام‌شدگان را می‌شکستند و گورهای دسته‌جمعی زندانیان را با سیمان می‌پوشاندند.

۱۶۹- به‌علاوه، دادگاه نتیجه می‌گیرد، همه‌ی عناصر مورد نیاز برای اعلام جنایت علیه بشریت در این پرونده فراهم و موجود است:

۱- گستردگی: همه‌ی جنایت‌هایی که در پاراگراف پیشین برشمرده شدند، در هر سی‌ودو زندانی که شاهدان از آن‌ها نام بردند، به اجرا درآمده است. شکنجه، تجاوز به عنف، آزار جنسی و قتل در همه‌ی زندان‌ها کشور امری عادی بوده و همه‌ی زندانیان در معرض نوعی سوءرفتار قرار داشتند. مردان، زنان، حتا کودکان وابسته به طیف وسیعی از سازمان‌ها و احزاب سیاسی و نیز وابستگان به اقلیت‌های قومی و مذهبی، در معرض این جنایات قرار گرفتند.

۲- سازمان‌یافتگی: رفتار جنایت‌کارانه در همه‌ی زندان‌ها شبیه بود. زندانیان در بازداشتگاه‌های موقت شلوغ، بدون امکانات بهداشتی نگهداری می‌شدند. زندانیان در معرض بازجویی‌های طولانی همراه با شکنجه (شلاق و قپانی، معمول‌ترین انواع شکنجه بودند) قرار می‌گرفتند. آن‌ها را با جراحاتشان که در اثر شکنجه شدید بوجود آمده بود، بدون رسیدگی درمانی، ساعت‌ها و گاهی روزها برای تکمیل بازجویی در راهروها به حال خود رها می‌کردند. به زندانیان در تمام دوران بازجویی و حتا گاهی در سلول‌هایشان چشم‌بند می‌زدند. زندانیان را به خاطر سرپیچی از دستورات زندانبانان به سلول انفرادی می‌انداختند یا در معرض شکنجه‌های بیش‌تر (از جمله در تابوت) قرار می‌دادند. زندانیان را با چشمان بسته به نزد حاکم شرع می‌بردند که اغلب در داخل محوطه‌ی زندان بود؛ برای محاکمه‌ای که تنها چند دقیقه طول می‌کشید؛ بدون برخورداری از وکیل یا مشاور حقوقی و بدون آن‌که حق دفاع از خود داشته باشد. هرگونه اعتراض و درخواست رسیدگی مجدد از سوی زندانی، منجر به طولانی شدن دوره‌ی زندان وی می‌شد. زندانیان را تنها به دلیل داشتن عقاید سیاسی و یا خودداری از پذیرش اسلام، اعدام

می‌کردند. به زنان زندانی پیش از اعدام تجاوز می‌شد. سوءاستفاده‌ی جنسی از زنان و مردان در همه‌ی زندان‌ها گسترده و مرسوم بود.

۳- مردم غیرنظامی: جنایات نسبت به زندانیان سیاسی، در داخل زندان‌ها صورت می‌گرفت.

۴- عاملان جنایت: همان‌گونه که در گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب آمده است، این تعدی‌ها «توسط یک قدرت مرکزی طراحی، ترغیب و اجرا شده‌اند (یا قدرت مرکزی سبب شده است، اجرا شوند.)» «فتوای خمینی به‌روشنی نشان می‌دهد که تصمیم به نابودی زندانیان سیاسی از سوی بالاترین سطوح جمهوری اسلامی ایران اتخاذ شده و با اطلاع کامل و مشارکت آن‌ها به اجرا در آمده است.

۱۷۰- با توجه به مبانی حقیقی و زمینه‌های حقوقی مطرح شده در بالا، با اتفاق آرا اعلام می‌داریم:

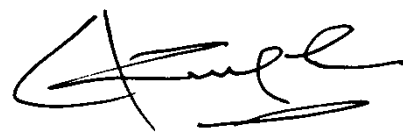
## حکم

(۱) جمهوری اسلامی ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ حقوق بین‌الملل را نقض کرده و علیه شهروندان خود مرتکب جنایت علیه بشریت شده است.

(۲) جمهوری اسلامی ایران به‌موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در نقض فاحش حقوق بشر در رابطه با شهروندان خود مسئولیت کامل دارد؛ و

(۳) عرف حقوق بین‌الملل، جمهوری اسلامی ایران را در ارتکاب گسترده و طرح‌ریزی شده‌ی جنایت علیه بشریت در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ به طور کامل مسئول می‌داند.

این حکم، به روز ۵ فوریه‌ی ۲۰۱۳ در شهر لاهه صادر شد.



یوهان گریگلر  
رئیس ایران تریبونال